

رفته تمام مال التجاره و انبار و گندم و مسق مردم را آب برده یا زیر گل و خاک مانده و خراب شد و هنوز آب رود خانه ها جاری و عبور و مرور ممکن نیست عموم مردم در بیابان متفرق و روی گل ولای منزل دارند کسانی که صاحب دولت و مکتب و املاک زیاد بوده امروز بریشان راه پیش و پس بر آنها مسدود نه قوه آبادی ملک و خانه خود را دارند نه قوه زیست و تعیش برای آنها باقی مانده رفسنجان اول ولایت معظم کرمان از جهت تجارت محکم بندر دارد فاصل مابین یزد و کرمان اغلب متمول و اغلب املاک متمولین شهر و رفسنجان در آنجا بوده عدد اشخاصی که مرده وزیر آوار رفته هنوز معین نیست، گندم شهر اغلب از رفسنجان باید وارد شود مال التجاره رفسنجان از محلوچ و بیه و کتیرا و گندم و روغن و پسته و غیره از تمام کرمان و بلوکات زیاد تر اغلب بشامرود و یزد و بندرعباس میرود، آبادی این قنوت در این سنوات ممکن نیست مگر دولت و ملت تا آنها اعانه نمایند عده اموات و تعیین خسارات وارد هنوز مدقت معین نشده در آنیه به مرض میرسد، بلوک زرندایر، سیرجان، پاریز و راور نیز تمام دهات آنها را خراب کرده لاکن خانه و بازار و دوکان را مثل بهرام آباد زیر و زبر نه نموده خوف قحط و عـلا نیز در پیش است تا اولیای دولت و امنای ملت چه اقدام فرمایند، در صورتیکه در این دو ساله کـرارا سارقین فارس اغلب این دهات را غارت کرده گاو و گوسفند و شتر و الاغ و اثاث البیت آنها را برده و یکدیگر با آنها پس نداده کسانی که بفارس رفته اموال خود را بگیرند جز حسرت و ندامت چیزی نیاورده مال خود را دیده قدرت لا و نم نداشته

لاکن از سردار جنگ حکمران یزد جای تشکر و تمجید است از قرار خطوط عموم تجار یزد خود سردار جنگ استعداد کافی تهیه نموده قریب ۲۰ روز است مابین راه یزد و کرمان در مهدی آباد توقف فرموده و تاکنون دو قمره سارقین اشقی و چهار راهی را گرفتار فرموده دغه نانی ۳۶ نفر از معارف سارقین را وارد یزد کرده اند اهالی یزد از این بخت و رحمت مرده و وطن

برسق ایشان قریب ۲۰ هزار اجتمع نموده همه اظهار تشکر می نمودند، از کرمان نیز تشکرات خود را تقدیم نموده اموال گای که برده بودند گرفته و هنوز در مهدی آباد منتظر بقیه سارقین که بخاک خراسان رفته میباشند، این اشقی و راهی ها دیگر بیلاف و قشلاق ندارند همیشه مشغول دزدی بخاک یزد و کرمان و در این چند سال هزار ها مردم را گدا کرده خود آنها صاحب دولت و اسب و قشک و ایلخی و زوت شده امید است آنها را بسزای خود رسانیده باشند

مکتوب یکی از علمای نجف اشرف

بدین است که امروزه حفظ استقلال مملکت ایران بر عموم افراد مسلمین مالا و جانا واجب است، و بواسطه دخول قشون اجنبی به بهانه تأمین مملکت اسلامی ما (ایران) در مخاطره عظیمه بلکه در شرف زوال است، و قطع بهانه اجاب هم محتاج به تجهیز و تهیه عده از قشون خودمان که بجای قشون خارجه تأمین بدهند، و معلوم است که سوق قشون بی پول نمیشود، و ایران هم فعلاً پول ندارد و قشون خارجه هم که هر قدر در مملکت ما باشد از استقلال ما کاسته نمودن زیاد می شود،

پول لازم است پول، از کجا تحصیل باید که تجهیز عسکر بکنیم؟ اگر از روس و انگلیس قرض شود در عوض بیج کـرور تومان نسیانت مالیه و نصارت حریبه را که دولت عبارت ازین دو است می خواهند، اینهم که نمیشود، یک مملکت باین بزرگی را به بجز کور بفروشیم، دست و پای ما را از هر جهت بسته اند، پس بر هر مسلم واجب است که بجهت حفظ استقلال مملکت اسلامی به دولت ایران قرض یا اعانه بدهد، هرکس در صورت تمکن ازین امر واجب نخلب و رزد کانه باعث شده که چهل کور ملت ایران را دست بسته بخارجیه داده و بیرق اسلام را از بالای سر مسلمین برداشته در عوض بیرق کفر زده، نظر بر لزوم همراهی و نحرز از خیانت به مملکت اسلامی تمام علماء و آقایان نجف اشرف با آن قهر و فلاکتی که مبتلاستند خاصه در این سنوات اخیر بواسطه انقلاب مشروطیت ایران که از قهر و فاقه نزدیک بهلاکت اند غیرت و حجت نموده خبر همه اعانه کمال حافظان، کرده اند، خدا

مضایقه فرموده بعضیها لباسشان بعضیها کتابشان  
بعضیها دیک وکاسه شانرا بمرض بیج آورده و جنبش  
و اطاعت دولت نمودند، در این صورت برای تجار  
و ارباب املاک و اصناف که صاحب نمکن و ثروت  
اند جای تأمل نماید اگر ندهند تنگ بزرگی در  
تاریخ رای خود گذاشته و برای علمایکه متمکن اند  
حاشا دارند زندگی دارند پول دارند نوکر دارند هر  
شب سرع بلومیل میفرمایند جای بهانه باقی نیاید،  
انشاء الله هرگز راضی نخواهند شد که بیرق اسلام  
درین مملکت اسلامی بخوابد عبرت ایشان قبول  
نخواهد نمود سکه بعد از رفتن استقلال ایران  
در تاریخ بنویسند سکه بیرق اسلام برای بیج  
کرور تومان یا بیج میلیون ایره در مملکت ایران  
خواهد، اگر هر ایرانی دو قران بدهد بیج کرور  
جمع میشود اگر هر شیعه مذهب بیج ششای  
بدهند دست ایران برای قرض بخارجه باز نمی شود  
امروز در نجف اشرف طلاب تمام مدارس اهل  
بلد هم اتفاق نموده مشغول جمع اعانه هستند،  
مثلاً مدرسه مرحوم حاجی بر همه سبقت بسته  
در اندک زمان قریب به (نود و دو تومان) جمع  
سکرده رات نمودند و طلاب رشت قریب به  
دویست تومان جمع کرده فرستادند، جماعتی از محترمین  
نجف با آیه الله زاده خراسانی شرکت نموده قریب  
بهشتاد تومان فرستادند و طلاب سایر ولایات فعلاً  
مشغول جمع آوری طلاباند، اما علماء قفقاز ساکنین  
نجف از بادکوبه قرمباغ و منجوان و ایروان تا حال  
یک شاهی نداده اند و حال آنکه نمکن آنها ربط  
اعالی قفقاز به بیج کدام از طلاب ولایات ایران ندارد،  
در اینجا میخواهم برای عبرت قفقازی ها از  
همت و جوان مردی و غیرت یک نفر از غیرتمندان  
قفقاز را عرضه بداریم این جناب وجود محترم  
فدوة الفقها والمجاهدین حاشی الملت والدین آقای حاجی میرزا  
محمد رحیم نفة الاسلام بادکوبه سکه چشم دهر تا  
سکون باین جور عالم با غیرت و با فضل و با  
طیات و عقل ندیده به مجردیکه از سفر مکه معظمه  
رسیده باینکه از دید و باز دید مردم فارغ نه شده  
بود، باجنابان آقا محمد و آقا شریف و آقا سید عبدالله  
و آقا سید مهدی و شیخ محمدعلی و شیخ محمد حسن  
و آقاموسی و غیره از احرار هر روز انجمن کرده در

اصلاح ادارات نجف مثل مکتب علوی و قرائت خانه  
و کتاب خانه که خود شان تاسیس کرده صحبت  
میفرمودند، باینکه هزاران مشغله نوعیه داشتند،  
با اینکه خستگی سفر از تن شان زفته بود،  
مسئله اطاعت را پیش کشیده در محضر حجج  
و جوب دادند اعانه را عنوان و یک هیجان  
فوق العاده در نجف انداختند، خود شان  
بیست و پنج تومان اعانه فرمودند در حالتیکه  
اعانه در نجف محبة فقر و فلاسکت محصلین نجف  
دو قران سه قران جمع میشد، و احدی از تجار  
با نمکن و آقا زاده های با ثروت و بعضی از امام  
جمعه هائیکه صاحب سکرور بودند بالاتر از این  
جناب اعانه ندادند، با این حال این جناب از دادن  
بیست و پنج تومان نهایت معذرت را خواسته میفرمود  
این وجه جزئی قابل اعانه برادران ایرانی خودم  
نیست، ما باید در راه آنها جان نثار بکنیم اگر  
خدا نکرده یک روزی بیاید که در راه حفظ استقلال  
ایران جان داد بجان دادن هم حاضریم، با این همه  
هیامو و هیجان که این جناب در نجف انداخته  
هنوز از قفقازها خبری نیست، عجب است یک آب  
و هوای بادکوبه دو مزاج مختلف را چه طور  
تربیت کرده، خدا نکند که این جناب از نجف بیرون  
رود و الا غالب ادارات نجف خواهد خوابید این  
جناب بود سکه بمساعدة عده از احرار این همه  
احکام و جوب مشروطیت را از حجج اسلام صادر  
و عکس گرفته بجهت ترویج ابرایان در اقطار انتشار داد،  
آقایان را باین همه اقدامات وادار و پایه مشروطیت  
را استوار نمود و در جلو مستبدین مثل سد سکندری  
ایستاده از مظاره کاری آنها مانع/شد و قرائت خانه  
نجف و مکتب علوی را دائر نمود و هیئت علمیه  
از برکت این وجود و امثال اش تاسیس یافت و همین  
جناب بود که چه قدر مایه گذاشته و پول صرف  
کرده البتة اسلامی را ترویج فرمود، و اتحاد  
اسلامیه را مابین سنی و شیعه در زمان ریاست اش  
بر هیئت علمیه در نجف اشرف دائر نمود عکس  
اتحاد در جراته خارجه رسم است و در این سفر مکه  
در مدینه منوره جمعیت اتحاد اسلامی تشکیل نمود  
این جناب بود که جائس را در راه ترقی  
ایرانیان بلکه هموم اسلامیان بکف دست گرفت

و مال و اشنای فرموده. نمیدانم برادران قفقازیهای  
 کمن فداکاریهای این وجود محترم را نمی بینند و  
 کتاب و لباس و دیگ و قابلمه فروختن آقایان  
 طلاب را مشاهده نمیکنند و دست بند و گوشواره و  
 چاقو دادش دخترها و پیره زنها را ملاحظه  
 نمی نمایند. پس چرا از روی حبت و عبرت  
 قدم پیش نمیگذارند و انجمن نمیکنند و در شکرانه  
 آن نصبت و دولت ممدن فطیحه خداوند جل شانہ  
 بآنها داده که با عشر مال نه با هزار یک  
 مال اعانت از برادران ایران خود نمیکنند  
 و حافظ بیرق اسلام نمی شوند، مگر وقتیکه  
 ایران نشند و رعیت روس شدند از هم مذهبان  
 خود نباید همراهی میکنند.

آه آه آه، کجاست عبرت اسلامی که زردشتیان  
 محض جامعه وطن که ایران وطن آنها بوده با تقارن مذمت  
 اعانه بدهند و در حفظ استقلال ایران بکوشند، اما  
 برادران قفقازی ما با آن جامعه اسلامی که اقوی  
 ترین جامعه هاست تا بحال یک بول نداده باشند. هفتہ  
 گذشته بود که تلم شیخ حس تبریزی از کبرخ  
 از زبان زردشتی های انگلستان یک کاند با یک استفتاء  
 بآیتین حجیر دام طلبها بتوسط حضرت تقة الاسلام  
 حاجی میرزا محمد رحیم مجتهد بادکوبه رسید همه  
 دیدند همه خواندند که ملخص کاعذ این بود، چون  
 امروزه اگر ایران از خارج، قرض بکند استقلال  
 اش در معرض فنا است لذا ما زردشتیان حاضریم که  
 از پنج کرور تا چهل کرور بدولت ایران قرض  
 و اعانه بدهیم با اینکه مسلمانها مال و جاش ما را  
 حلال دانسته باز قرض و اعانه دادن حاضریم چون  
 جناب حاجی میرزا محمد رحیم میدانستند که مسلمانها  
 آن قدر غیرت و همت نخواهند کرد که با اعانه  
 احتیاج دولت را رفع بکنند، باز محتاج قرض  
 خواهیم شد و این قرض داخله هم باید از زردشتیها بشود  
 لذا حضرت تقة الاسلام بادکوبه رای تامین مال و جان  
 زردشتیها از حضرات حجج دام ظلهم باین  
 مضمون فتوی گرفت که عین عبارت آن درج میشود

بسم الله الرحمن الرحيم

اینها و تقیر طایفه زردشتی و سایر اهل ذمه

واجب است که وصایای حضرت خاتم النبیین (ص)  
 را در حسن سلوک و تالیف قلوب و حفظ  
 نفوس و امراض و اموال ایشان و اکاینبی رعایت  
 نمایند، و سر موئی تخلف نکنند، انشاء الله  
 تعالی (من الاقر الجانی محمد کاظم الحراسانی)  
 بسم الله تعالی الامر کا رقم (حرره عبد الله  
 مازندرانی)

این فتوی را تقة الاسلام بادکوبه جوف  
 مکتوب گذاشته روانه کامبرج فرمودند. امید بواسطه  
 این فتوی طایفه زردشتی و هم چنین سایر طوائف  
 ذمیه که رعایای دولت ایران اند خاطر جمع  
 شده هر وقتیکه دولت ایران محتاج بترض باشد با  
 کمال اطمینان قرض بدهند احسن و همت و وطن  
 خواهی زردشتیها.

المحب ثم العجب ایران بیچاره اصرار احتیاج  
 نمود و ششصد و بیجا کرور مسلمان شنیده احدی  
 جز داخله ایران صدا بصدای او نداد،  
 حتی مسلمانهای قفقاز که یک وقت جزء  
 ایران بودند به همراهی حاضر شدند و علما و طلاب  
 ایشان در قبة الاسلام بحرف صدا بصدای دولت  
 اسلام ندادند، اما زردشتیها از آخر دنیای قدیم  
 از انگلستان جواب دادند، و حجج اسلام کاغذ  
 نوشتند، فداکاری خودشان را اظهار نمودند، اطراف  
 مطلب را مسلمانهای غیور عموماً شیعه های غیرت مند  
 خصوصاً ملاحظه فرمایند، بعد ازان خود میدانند  
 میخواهند اعانه بدهند یا بدهند، همه چیز در تاریخ  
 ثبت این هم ثبت خواهد شد، و دولت شیعه  
 بجهت محافظه استقلال اش زردشتیها با تقاب  
 مذهب محض جامعه وطن همراهی نمودند اما هشتاد  
 میلیون شیعه غیور جواب ندادند

باز العجب ثم العجب، ابواقام شیروان و کهل  
 قونسول روس در محف اشرف با اینکه همیشه  
 طرفدار استبداد بود و چه قدر اسرار نجف را بر  
 قونسول روس در بنداد نوشته تا همه این در این  
 موقع که دید اهالی بلد مشغول جمع اعانه هستند  
 غیرت اسلامیه اش بجوش آمده از پیش خود به  
 قونسول بنداد نوشت که تمام سکنه محف اشرف از  
 مسلمین مشغول جمع اعانه هستند، اگر ما قفقازیها

در ایجا شرکت میکنیم در انظارنامه مسلمان موهون و مطعون میشویم ، بحسب اسلامیت شرکت ما در این مسئله لازم است ، فوراً از قونسول بغداد تلگراف آمد که در اعانه شرکت بکنید ، بچاره ابوالقاسم هم بعد از این تلگراف قد مردانگی علم نموده در حانه رعایای روس دهنده کی نمود تا حال غیر از نفع الاسلام باده کوبه احدی اعانه نداد مگر چند نفر بخارائی آن هم از ترس ابوالقاسم شیروانی .

حالا حضرات قفقازیها و بخارائیهارا مخاطب کرده عرض میکنم ای برادران ایمانی من ، اگر اهل آخرتید ثواب بهتر از این نمیشود . اگر اهل دنیا هستید اشتراک و نام یک بهتر از این نیست . اگر از دوات متبوعه خود خوف داشتید این تلگراف جنرال قونسول اوست ، که ابوالقاسم بچاره دست اش گرفته در خانها میگرداند ، جبهه اقدام نکرده است چيست عجباً این نفع الاسلام باده کوبه چه قدر جرئت و قوت قلب دارد تا آن اقدامات بزرگیکه در مشروطیت ایران وتشکیل اتحاد اسلامی وترویج امنه اسلامی و ضرر امتعه خارجه نمود که در معنی هر يك از اقدامات اش هراوان صدمه بعالم روس داشت ، وچقدر مستبدین از محف درباره او بقونسول روس سعایت و شیعت نمود و چندین بار از طرف قونسول بغداد مورد مؤاخذ شد ، و شب و روز رنایش چه قدر نصیحت کردید که خود را بی الحمله محافظت کن ، در همه صورت با همه جواب دادند استعای اسلامیت حرکات میکنم يك جان در راه این همه مسلمان این قدر اهمیت ندارد تا آن محاررات عظیمه که پیش دوات خود داشت بتجریده از مکه رسید هیچجا فوق العاده در جمع اعانه انداخته پیش از اینکه تلگراف قونسول باید اعانه خود را با برات فرستاده بود ، امید که برادران قفقازی ما وعلیای سکنه باده کوبه و سکنه محب با آت همت و مردانگی که معروف شده اند قدم پیش نهاده در همراهی با دوات از همه مسلمان پیش قدم باشند ، بعد از اینکه اقدام نمودند صورت انسانی آنها را با وجهیکه داده اند بداره محترمه خواهم فرستاد .

خبر خوشیکه دیروز از یکی از مبعوثان ایران

رسید این بود که روس ها امروز فردا خیل وقتن دارند توقف چند روزه برای این است که از ایرانیها کاتبه وضایت نامه بگیرند که درین چند مدت توقف بایرانیها تعدی نمودیم .

و اهل تبریز يك کرور اعانه داده اند ، بارک الله بر همت اهل تبریز که با آن خسارات عظیمه از اول مشروطیت از خسارت غارت و عدم نجات بر آنها رسید ، باز این همه همراهی با دولت نموده اند در اعانه هم پیشقدم شده اند در همه چیز پیش قدم بوده کاش اصفهانی ها هم نیم کرور میدادند و همچنین شیرازیها و خراسانی ها و گیلانیها و مازندرانی ها و سایر ایالات يك کرور میدادند .

محمد اسمعیل مغازه که متحصن سارت روس بود خواهش کرد که باسفر روس ملاقات کند ، سفیر روس گفته وقت ندارم آن هم خودش را با يك گلوله کشته .

استعای ونوق الدوله و صنیه الدوله و مشیرالدوله قبول نشده .

علیای بطار مجلس را در طهران انتخاب نموده اند عدد ایشان ۶۸ بالغ شده باختلاف در حق این ۶۸ مردم رأی داده اند تا بست نفر از این ها را انتخاب باید .

این است بعضی از اخباریکه بحف این هفته رسیده ، بنای حجج بر این است که بعد از رفتن روس بر مجلس اخطار فو عمومی را مجدداً بناید ، تا مستبدین بعد از رفتن روس آسوده خاطر باشند و در تحت حمایت روس نروند

فلاً از برکت مطبعه حبل المتین که مؤید الاسلام به بحف فرستاده سه چهار روز نامه و مجله طبع میشود انشاء الله واسطه همین مطبعه . معارف بحف روز بروز ترقی خواهد کرد ، جزا ک الله عن الاسلام و امله خیراً ، حدیث صورت اعانه هیئت علمیه کربلای

- جناب نفا الاسلام حاجی شیخ غروش قران
- اسمعیل خلف مرحوم حجج الاسلام
- حاجی شیخ محمد باقر اصفهانی ۱۸
- سید العلماء الاعلام آقای حاجی
- سید حسین طباطبائی فشرکی سه و نیم ۹
- عمده العلماء آقای سید صدرالدین
- نجل حجة الاسلام آقای صدر

دام ظلّه العالی	۷	۵۰	فروش	قران
عمدة العلماء آقای سید احمد	..	۱۵۰		
جهانی دام بقا	..			
فخرالعلماء حاجی میرزا کاظم خلف	..			
مرحوم حاجی شیخ علی بفرونی	..			
طاب نراه	..			
جناب عمدة العلماء آقای حاجی	..			
جلال العلماء ترشیزی	۷	۵۰		
جناب سید العلماء میرزا علینق	..			
مجل تة العلماء آقای محبی ترشیزی	..			
دام ظلّه	سه و نیم	۲۶		
جناب شیخ عبدالقیوم سبزواری	سه و نیم	۶		
جناب شیخ علی خراسانی	..	۵		
جناب شیخ محمدجواد زنجانی	..	۲۵		
جناب سید العلماء آقای سید	..			
جناب شیرازی	..	۱۰		
جناب سید زین العابدین مجل	..			
تة الاسلام آقای سید محمد	..			
کاشانی دام ظلّه	سه و نیم	۶		
جناب شیخ فرج الله تبریزی	..	۱		
جناب شیخ احمد تبریزی	..	۱		

تذکره حضرت سپهبدار به ولایات

بر حسب مقتضای وقت رئیس الوزرائی با وزارت داخله بایجاب (سپهبدار) و ریاست جنگ با سردار اسعد میباشد، لذا مطالب لازمه را باید مستخدمین ادارات باین دو وزارت رجوع کنند.

جواب تذکره از ایالت فارس به انجمن شیراز

انجمن محترم ایالتی، تذکره شریف را ملاحظه کردم نهایت مسرت و امتنان دارم که آن انجمن محترم بر حسب وظایف حقه مشروعه خود همه وقت از کینیات دقایق امور مطلق مبدارند، اینکه وجوب سرعت حرکت را اطلاع داده اند تا چهار روز دیگر عزیمت میکنم. در باب استعداد هم من برای صلح و مسالمت آمدهام و یقین است که وجوه اعیان و اشرف مملکت بعد از ورود و ملاقات و شناسائی من نظر بهمراهی که با من طبعاً خواهند داشت بهتر از این وسائل انتظام مملکت خواهد بود مع ذلک استعدادی بقدر لزوم و ضرورت همراه دارم که آنها فقط رای مواقع رسمی یا موارد وجوب خواهد بود

تذکره رئیس الوزراء بایالت فارس

حضرت والا شاهزاده ظفر السلطنه فرمانفرمای

فارس، فوج ملایرا فوری از قم بخواهند بنده هم حرکت فوج را باصفهان تا کید کردم رفع بحران کابینه جدید هم شد و مشغول تشکیل کابینه، حضرت والا در کمال قدرت و استقلال روانه مقصد شوید سپهبدار اعظم رئیس الوزراء

خلاصه ترجمه اخبارات خارجه راجع بایران

یکی از ابرایسان در اخبارات آلمان مینویسد دولت ایران باید بداند که بهیچ دولت محتاج نیست و اگر منشار های عالم از خارجه استقراض شود بدون آنکه امتیاز بکسی دهد هم میتواند در بازار سرافان اروپا قرض با شرف بین المللی حاصل نماید و هم ممکن است بخودی خود راه آهن کاپه مملکت را کشیده کشف معدنیات خویش را به یابد، هرگاه روس و انگلیس پیش پای خود نشسته ایران را بحال خود گذارند ما مرکز رضا نشویم که آلمان بکقدم در ایران پیش آید، مرا برانی که امروزه سنگ آلمان را بسینه میزد محض جلوگیری از زیاده تیرهای روس و انگلیس است، توحه ایرانیان با آلمان محض حفظ استقلال خود از روس و انگلیس است روزنامه استندرد رسماً تکذیب می یابد که دولتم روس و انگلیس یاد داشتی را که اخبار (زیستک) نوشته بود دولت ایران رهن نگذارد چیز هائی را که در استقراضات اولیه رهن بوده و نیز متبه نموده دولت ایران را که امتیازات پلنیکی و تشونی بخارجه نهد، به ایران پیش نموده اند ولی (ما تصدیق نداریم این خبر استندرد را چه اخبارات بعد پیش نمودن یاد داشت روس و انگلیس را مسلم داشت)

طمس می نویسد، کابینه جدید وزرا تشکیل و بمجلس نیز معرفی گردید فقط فرقی که در این کابینه دیده می شود همانا تبدیل عهده های سردار اسعد و سپهبدار اعظم است سردار اسعد ریاست جنگ منتحب و سپهبدار بوزارت داخله و رئیس الوزرائی نامزد شد، ولی تصور میشود که این کابینه محل اعتماد دولتم واقع گردد چه سفر خواهش داشتند که دو نفر از وزرا (وزیر معارف - وزیر مالیه) شامل این کابینه نباشند

منچستر گاردن این واقعه یعنی دخالت سفرائی روس و انگلیس را در عمل کابینه بزرگ ترین حمله بر استقلال ایران دانسته دولت انگلیس را ملامت میکند که محض جلوگیری آلمان با روس اتحاد کرده علناً پای بحلق ایران مالیده می شود

عجب این است که اولیای دولت ما از وقعه مراکو حرکت انگلیس با آن تجربه که حاصل نموده

ماز دارند خطا میروند ایرانیان و ارباب سیاسی دنیا هیچ شکایت از معاهده دولتی ندارند بلکه شایکند که چرا پای بندی بدان معاهده نمی شود. در آن معاهده استقلال ایران را دولت دمه گرفته اند. آن دمه داری کجا و کی پای بند بر آن خواهند شد. باید دولت روس و انگلیس بداند که دولت ایران یا دولت تالی هیچ وجه قابلاً نمیتواند معاهده بر آنها پای بند باشد فقط دولت باید خود را پای بند بداند و پس دیگری از حراند مینویسد که صوات الدوله و سردار ارم و والی پشت کوه هم عهد شده و سایر ایلات کوچک را با اتحاد خود دعوت کرده متعهد به تقویت مجلس شده اند. این تقویت بجه قدم و از چه راه خواهد بود ظاهر نه نموده گویا آنچه را خود تقویت تصور نمایند اقدام خواهند کرد. آنچه به تحقیق پیوسته این اتحاد برخلاف مختاریان و حاجت کارهای سردار اسعد بوده است (حبل المتین - بحمد الله آن محران بزرگ حاکم پذیرفت تبدیل وزارت داخله باین عاقله حاکمه داد و صوات الدوله هشتصد سوار استقبال ایالت فرستاده که مرید شکوه و اجلال ایشان شده وارد فارس گردید. ضمیم الدوله برادر صوات الدوله را معاودت بهران دادند. صوات الدوله اطمینان به تجار در امنیت طرق داده است و ما اطمینان داریم که دبری نگذرد جنوب امن و بهانه برای قیام قشون خارجه باقی نماند. بی تمام این پیش آمد ما مبنی بر یک سهو ایالت فارس یا وزیر داخله سابق بود. افسوس که عرائض ما درین یازده ماه ابداً بدرجه قبول رسید )

یکی از ایرانیان در مارگک بست مقاله منجلی نوشته بیان می نماید که روس در دوره قاجاریه هماره چند نفر را در دربار حمایت کرده و زور رشوه و وعده و وعید طرفدار خود می نمود و در نتیجه همها مقاصد خود را از پیش می برد این دوره هم تاکنون به همین خیال و عقیده است

این حایه که از سردارین می باید مبنی بر مسلك قدیم خویش میباشد ولی ما با کمال صمیمیت دولت روس را ایقان میدهم که سپه دار اعظم و سردار اسعد با خلاصه احرار در مسئله استقلال ایران هم عقیده اند و اگر چنین بود مال و جان مشروطیت ایران را قائم می نمودند و در وقعه اردبیل و قرچه داع اعز فرزندان و برادران و اقارب نزدیک خود را میفرستادند و . . . و . . .

دیگری مینویسد که حایه روس و انگلیس ازین دو سردار مزید شکست آفات است و حق

سردارین هم بخوبی میدانند که در سایه حایه روس و انگلیس در مقام خود محکم نتوانند ماند و امروز نه فردا این کابینه باید تبدیل شود

تنگرانی که در روسیه اشاعت شده چنان می نمایند که وزارت داخله بحکومت آذربایجان حکم داده که هر کتباتی که بین رعایای ایران و خارجه شود باید با اطلاع و صحت وزارت خارجه باشد. و نیز از طرف وزارت خارجه وکیل مخصوص به اروپا و تبریز رفته که هر کتباتی بین رعایای روس و ایران شده باطل قرار دهند. جرائد روسیه این واقعه را برخلاف عهدنامه ترکمانچای جلوه میدهند

حبل المتین - ما صحت و سقم این خبر را تصدیق نتوانیم نمود و از حقیقت امر کابینه آگهی نداریم و معاهده ترکمانچای هم در پیشروی ما مهاده در صورت صدمه نمیتوانیم گفت که این اقدام مخالف با مواد معاهده ترکمانچای باشد. نهایت روسها بذریعه رعایای خود درین گونه کتباتهای شخصی اسباب زحمت دولت و ملت شده و دولت روس هم پیشرفت مقاصد سیاسی خود را همان کتباتها وسیله ساخته و بدولت تاحته است. حالا دولت خواسته جلوگیری نماید و قرار داده که این گونه کتباتها باید بصحه و اطلاع وزارت خارجه باشد. بر فرض هم تسلیم شود که مخالف با عهد نامه ترکمانچای است همان قسم که روسها در بنام دادن رحیم خان علناً تجاوز به عهد نامه ترکمانچای نمودند بگذار بطریق غیر علنی ایران هم این حزنی تجاوز را نموده باشد ) یکی از جرائد آلمان مینویسد که قوت روس و

انگلیس در مسئله کابینه ایران بی سود ماند چه آن دو وزیریکه آنها نمی خواستند در کابینه باشند برقرار نماندند و همین تبدیل عهده سپه دار و سردار ظاهر میدار ده آن قوت و قدرت اولیه برای کابینه باقی مانده مسلم است که اگر تا چندی دیگر از عهده نظم داخله بیرون نیسایند و قشون بیگانه را خارج نکنند مجدد شکست خورده مجبور به تبدیل کابینه خواهند شد. در آ بوقت حایه روس و انگلیس هم به هیچ درد این کابینه دوا نخواهد بود. گذشته بر این دولتین روس و انگلیس درین مداخلت کمال سهو را نموده. چه غالب وزرا مانند وزیر معارف و وزیر مالیه از احرار اند. در صورتی هم که این دو وزیر کتاره گیرند سایر وزراء احرار همان کاری را که آنها می نمودند خواهند نمود و سبب بی اعتمادی ملت از سردارین خواهد گردید

دی فلات می نویسد . « سفرای روس و انگلیس کمال اعتماد را بر سردار اسعد و سپه دار اعظم داشتند



و چنان تصور میکردند در کابینه که آنها باشند بهر شکل و رنگی باشد مقاصد دولتی خواهد بر آمد پس از آنکه سردارین که دو جرخ رونده کابینه بودند بآن سختی در مجلس شکست یافتند ناچار استعفا داده و احرار در صدد تشکیل کابینه جدید بودند، دولتی این معنی را منافی با منافع خود دیده بقای سردارین و اخراج دو وزیر حریت خواه را خواستگار گردیدند، پس از بجزایر عظیم اخراج دو نفر وزیر را محال قرار داده و بقای سردارین را هم به تبدیل عهده منظور نمودند

اعتراضات که به سپهدار اعظم می نمایند این است که کافی السابق بازار وشوه در وزارت جنگ گرم است و شخص سپهدار را وکیل روس در سر برستی مستبدین می پندارند و نیز قائل اند درین مدت یازده ماهه ریاست ایشان ما فوق تصور وجه درین وزارت خانه ریخته شده و هیچوجه تبدیری در کارها دیده نمی شود اوضاع قشون همان است که بود. سرداران موروثی و مادرزادی روی کار بچه های نابالغ بسمت سرداری در میدان مشق جلو انواع مزید و تمسخر خودی و بیگانه در وضع نظام ایران گردیده است. وضع نظام ایران همان اصول مهمل و همان بی ترتیبهای اولیه بحری است و در این یازده ماه یک اردو ولو یک فوج باشد از روی اصول صحیح تشکیل شده است و این پیش آمد ها را تمام باشکارت روس می پندارند چه از دو قرن باین طرف هم روس این بوده که اداره نظامی و مالبه ایران را مهمل گذارد و تا امروز هم در همین تشنه کار میکنند، چیزیکه پیش از همه محل اعتراض واقع گردیده تشکیل پنج اردو در نقاط مختلفه است که وزرا در پروگرام خود به مجلس پیش کرده و تا کنون اثری بر آب مرتب نداشته اند، در هیچ نقطه از نقاط ایران حکومت قوه مدافعه حاضر نکرده و اگر در بعضی نقاط اعتشاش نمی شود یا از بی حسی یا از خسته گی مردم است ورنه هنوز در اعتقادات اولیه باقی اند که امنیت نتیجه الفغانی است که به وسیله سیم تلگراف حاصل می شود و اقدامات خارجی و داخلی دوکار نیست. و نیز کافی السابق اصول حفظ ما تقدم مراعات نمی شود فقط هر جا منقلب شد اقدامات لازمه تلگرافانی می شود، و اگر طبیعت آن انقلابات را دفع نه نمود و فشار بر حکومت وارد آمد خواه مخواه توجه بآن طرف می شود و همیشه اندک امنیت دست داد جمیع انقلابات را فراموش می کنند

این است که سفرای روس و انگلیس میگویند

اطمینان با امنیت ایران نمیتوان نمود، و امنیت ایران را بحرانی میگویند، و دلیلشان این است که در هیچ نقطه دولت دارای قوای مدافعه احتیاطی نمیباشد و در هر آب و در هر نقطه ایران میتوان اعتشاش را موحود تصور کرد چه اعتشاش در حاکمات ملیتی و عدم موجودی قوه مدافعه نبوت و حود اعتشاش است، و هیچ اسباب برای نگاه دارای قشون بیگانه بهتر از این وضع مرج و مرج نیست و همچو تصور میکنند که سردارین چون حفظ مقام خود را در افسای قشون خارجه در ایران و سرعوت مردم میدانند ازین رو عمداً پیرامون این گونه تسامحات میگردند

در ماده سردار اسعد هم چیزی صحبت میدارند من جمله چنان پنداشته اند که سردار اسعد لحرای مقاصد و حیالات خود را اعم از یک و بد مستبدانه میخواهد احرا نماید میگویند سردار اسعد تجربه از وضع حکومتها و داخله ایران ندارد و بر امر که رایش آلمانی گرفت مایل است بهمان لحاحه ایلات از پیش برد سردار اسعد همیشه بمنند وزارت حای گزیدند و سدد کشیدن انتقام از دشمنان دیرین خود آمد و کینه جوئی را شروع کرد، سردار اسعد مردی است لاجوج حق در سهو و غلطی خود هم لحاحه می نماید مردم سردار اسعد را مان نگاه و بقی که وارد ایران شد می نگردند در وزارت خود سهو های زیان رسان نمود، لحاحه ایلاتی سردار اسعد تمام ایلات ایران را بلحاحه و خلاف حکومت بر اسکیحت و اگر بدعت شور شود ایلات را حضور بدوات ساخت، از این سر تا آن سر ایلات ایران بر حلقه او مستعد و متحد گردیدند و سام نبوت مجلس نزدیک بود کار رنگ دیگر گیرد

سیاری از مردم سردار اسعد را اذیت انگلیس می پندارند و میگویند سهل اندازی در امنیت جنوب برای آن است که انگلیس از روس عقب نیفتند، احرار صاف میگویند که سردار حکومت جنوب را در صلیحه خود و هوا داران خویش تسیم نموده و در عدم ایافتشان هم این که نتوانسته اند هیچ نقطه جنوب را امن نگاهدارند

اگر چه ماده وزارت سردارین تا اندازه بجزایر کابینه را مرتفع ساخت و رؤسای ایلات را ساکت نمود و در مجلس هم اسم تبدیلی روی کابینه نهادند، ولی کمان عبود که این کابینه تا دیر به پاید و تمام ساسیون داخله و خارجه متوجه این امر هستند که جواب یادداشت دولتی را که ختم اپریل بدولت ایران پیش نمودند کابینه جدید چگونه خواهد داد

و هرگاه برخلاف مرضی ملت و مصالح مملکت داده شود قطعاً کابینه تبدیل و اگر در آن موقع صد روس و انگلیس هم حامی سردارین شود نتیجه معکوس خواهد بخشید

( جیل القین )

با آن اطلاعاتی که داریم نگارشات روزنامه دی فلات را در موضوع سردارین تصدیق نتوانیم نمود و انتشار این گونه سخنان را از همایگان می پنداریم که آب را گل آلود کرده مای بگریزد آمد ملت و مجلس سردارین کاکش مای و هر کس از مقتضیات سنایی ایران با خبر باشد تصدیق خواهد نمود که کابینه تا کنون آنچه کرده مبی بر سیاست و حیرت ملت بوده است و احتلائی هم بین وزرا اگر پیش آمده از روی حیر وطن و سیاست بوده است

تفکرات

( ۴ ج ۱ - ۱۴ می )

بازارگاه امتعه ژاپونی امروز در لندن افتتاح خواهد شد - هوا بسیار گرم است - هنوز رسوم افتتاح بازارگاه بجای نیامده نشان دو تین انگلیس و ژاپون تا بصفه علم که علامت ماتم است بلند بود، این بازارگاه مملو از صنایع شرقی است - ( ۴۰۰۰ ) قسم از اشیاء و صنایع انگلیسی و ژاپونی را در بازارگاه آراسته اند

بموجب تلگراف مصر ( واردانی ) قائل ( بطروس باشا ) صدراعظم مقتول را حکم اعدام صادر شد

سفارت فوق العاده از حاب اعلیحضرت دولت عثمانی ریاست والا حضرت ولیعهد در اشتراك به تشییع جنازه اعلیحضرت ( ادورد هتم ) رهسپار گردید - ۲۰ هر پادشاه و ملکه در تشییع جنازه حاضر خواهند بود

بعد از آنکه ( دیوک و دچس آف کنات ) جنازه اعلیحضرت ( ادورد هتم ) برادر خود را مشاهده کردند صندوق جنازه را مهر نمودند

پادشاهان اروپا که دسته های گل برای اینار جنازه اعلیحضرت ( ادورد هتم ) برده بودند قیمت هر یک آنها از ( ۱۵۰ ) لیرا بش نه بوده است ولی قیمت دسته گلی که نواب والا آقا خان سلطان محمد شاه تقدیم نمود از جمیع آنها ذی قیمت تر بوده است

۲۰ می یوم الدفن اعلیحضرت ( ادورد هتم ) مقرر گردید لذا آروز را برای تعزیت مخصوص قرار داده اند

( ۵ ج ۱ - ۱۵ می )

بموجب تلگراف ( بروکسل ) کبیسوت

سرحدی ( کانکو ) بر عهدنامه امضا نمودند  
نخبر ( روتر ) از ( واشنگتن ) خبر میدهد که ( مسز ناکس ) از ( کندا ) تهریک کرده که بر تفرقه گمرك معجلأ شروع به بحث شود و شك نیست که در قبول آن حکومت ( کندا ) معذرت خواهد نمود

رسم اشاعه یاتمه که اعلیحضرت جارج پنجم امیدوار است روز جمعه ۲۰ می در تمام بلاد برای مغزرت ( ادورد هتم ) دعوی خیر نماید

خلاصی های جهازات زره پوش جنازه اعلیحضرت ( ادورد هتم ) را بجای اسب خواهند کشید - چه جنازه ملکه و کتوریارا بسبب رم نمودن اسها همان خلاصیان بدوش کشیده بودند از این رو در اینوقع نیز بهمان قسم پیروی خواهد شد

( ۶ ج ۱ - ۱۶ می )

( مسز روزیولت ) بهمراهی خانواده خود وارد لندن - ( لارد دنو لند ) از طرف

اعلیحضرت جارج پنجم پادشاه انگلستان استقبال نمود - ( مسز روزیولت ) تا یک ساعت با پادشاه موصوف مشغول گفتگو - و بعد از مشاهده جنازه اعلیحضرت ( ادورد هتم ) در منزل ( دیوک و دچس آف کنات ) رفت  
نخبر ( روتر ) از ( فیض ) خبر میدهد که قبایل ( هیاه ) هر روز بر اردوی مولی حنیط حمله میکنند و نقصان گزاف میرسانند - کاندار طلب فوج امدادی نموده و اعلیحضرت سلطان فرستاده و ( فیض ) بکلی حالی شده - نمایندگات خارجه بریشان اند

از جزیره ( کریت ) تلگرافی رسیده که وکلاء عیسائی وکلای مسلمان را اجازه شرکت در مجلس ملی داده از این رو نمایندگان دول سرکردگان قوم را آگاه کرده اند که در صورتیکه آنها وکلای مسلمان را اجازه شرکت ندهند داد نتیجه بد برای ( کریت ) ظاهر خواهد ساخت

( ۷ ج ۱ - ۱۲ می )

( وایکانت ولبدی گادوستون ) وارد ( کیپ تاون ) - رئیس الوزرا و سایر وزرا استقبالشان نمودند

( ۸ ج ۱ - ۱۸ می )

پادشاه دینمارک - ناروی - گریس - اسپانیا - وارد لندن - و پادشاه پرتگیز - بلجیم - بلغاریا امروز خواهند رسید - اعلیحضرت امپراطور آلمان فردا وارد خواهند شد - ( لاردمیوردپلن ) شریک تشییع جنازه خواهد شد



( جبل المتین کلکتہ )

(مدیکل کالج استریت نمبر ۴)

HABIBUL MATIN OFFICE  
1, MEDICAL COLLEGE STREET  
CALCUTTA

( کلیه امور اداره با )

(مدیر کل مؤبدالاسلام است)

( هر دوشنبه طبع )

( و سه شنبه توزیع میشود )

( یوم دوشنبه )

( ۲۰ جمادی الاول ۱۳۲۸ هجری )

( مصداق با )

( ۳۰ می ۱۹۱۰ میلادی )

و بلا حق اخذ ایوان بدون قبض ندارند و تاوقتیکه  
( مشترکین را قبض مخصوص سال هفدهم دست نیابد )  
( ذمه شان بری شناخته نمیشود )

نامہ مقدسہ

( قیمت اشتواک )

( سالانہ — شش ماهہ )

( هند و برمه )

( ۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ )

( ایران و افغانستان )

( ۴۰ قران — ۲۵ قران )

( عمانی و مصر )

( مجیدی — ۳ مجیدی )

( اروپا و چین )

( ۳۰ فرنک — ۱۶ فرنک )

( روس و ترکستان )

( ۱۰ منات — ۶ منات )

# المتین

سنہ ۱۳۱۱

مراسلات خصوصی بدون امضای

( معروف اداره درج نمیشود )

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دراتی و فواید ملتی بحث میشود  
( مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آراست )

بایران ابداخته برای جلب منافع خویش ندای آزادی در داده . ایرانیان که یکصد سال جز فیلد دو همسایه ملجأ و پناهی ندیده این صدا را خیلی دلرنا یافته هوای آن بال و پر میزنند . علاوه براینکه ایرانیان بخبال نجات از فشار دو همسایه باآلمات گرویده اند ، سایر دول و ملل هم در آزادی ایران با آلمان هم عقیده و همراه اند . چه آزادی ایران برای آنها نافع است ، زیرا همیشه ایران آزاد باشد هر دولت و ملت میتواند ابواب تجارت را با ایران باز کرده فائده برگیرد . برعکس اگر آزادی او از میان برود تصور جلب منافع تجارتی از ایران برای آنها غلط است ، و مضرت سلب استقلال ایران برای جمیع ملل و دول جز روس حی می باشد ، چه باتفاق و اقبال رموز عنقریب ایران جارسو و بارانداز مالالتجاره شرق و غرب خواهد گردید ، تا جائیکه میگویند پس از چند سال دیگر پست انگلستان بپند نیز از وسط ایران خواهد گذشت این است که نظر باهیت و مرکزیت ایران باستانی روس جمیع ملل و دول آزادی و استقلال آن را خواستگار می باشند و از همین است که مشاهده میشود که جراند ملیه تمام ملل حامی آزادی و استقلال ایرانند ، و از سه سال باین طرف حصه عمده نگارشات درسیاسیات ایران و حجاب

اهمیت ایران در سیاست دنیا  
چون در تلگرافات این هفته که بذریعہ روتر اشاعه یافته باریک شویم تا درجه اهمیت موقع ایران را در سیاست دنیا استنباط توانیم نمود چه امروز نقطه که جالب توجه عموم سیاسیون شرق و غرب باشد همان پیش آمد آینده ایران است  
یکی از سیاسیون میگوید ، امروزه موقع ایران نامدازه پیچیده که کسی نمیتواند بحقیقت عاقبت او ایتقان دهد ، از یکطرف دولت روس سعی است که آزادی ایران را در شمال یعنی تا منطقه که با انگلیس مساعد نموده اند باقی نگذارد ، و صاف میگوید که کلیه منافع شمال ام از تجارتی و سیاسی راجع بمن است ، مثلاً میخواهد در منطقه خود او که دولت ایران است امتیاز راه آهن وشوسه و کار کردن در معادن و کشتی رانی در دریایچه ارومی وتشکیل کپانیهای مختلفه وغیره جز بروسیان بدولت دیگر داده نشود و منتهای جد و جهد را دودربار ایران برای پیشرفت همین مقاصد دارد ، همین قسم نیز انگلیسان در جنوب در آن منطقه که برای خود معین کرده میباشند ، اینها اقدامات عمل ایشان است ولی زبانا تسلیم دارند که ایران باید آزاد باشد ، یعنی باسم آزاد و برسم مطیع خودشان  
از طرف دیگر دیده میشود که آلمان خودی

از استقلال آن است، این مواد مذکوره يك قوت فوق العاده مخیالات آلمان داده است، یعنی يك قوه طبیعی برای استقلال ایران شده است، ولی آلمان چنانچه مسلک دیرینه اوست، قبل از هر اقدام يك هیاهوی غیر رسمی در عالم سیاست می‌آورد تا سورت مخانین و میزان قوت مدانین را به سنجش آورد گویا در معاملات ایران هم بهمان مسلک دیرینه خود عمل نموده و آن همه هیاهوهای بی شایده را بلند کرده، از طرف دیگر روس و انگلیس را هم چهار تعل نمود، جراند روس و انگلیس و آلمان ملو ازین بحث بی اساس گردید، آلمانیان به آن عرضیکه این هیاهو را انداخته نتیجه حاصل کردند، یعنی روس و انگلیس را از جامه شکیانی بیرون برده بوشش يك یاد داشت رسمی که علناً همه بر استقلال ایران و نبوت قیمومیت خود شان است و ایرانیان و ادار نمود، چنانچه شرح آن را مکرر نوشته‌ام

یکی از وقایع رموز میگوید سکوت آلمان در مقابل یادداشت دولتی که علناً جلوگیری از او میباشد دال است بر بی توجهی آلمان در معاملات ایران، دیگری میگوید سکوت آلمان را بدت این است که فشار همسایگان بیشتر

سبب التجای ایرانیان بدو شده تا يك دفعه خود را در دامان وی بندازد، ولی آنچه محقق میباشد این است که مسلک آلمان در هر نقطه هم بوده، بدوا هیاهونی انداخته عقب میروند، و متداعین را بخود وا میگذارند، از دور سگرات اعمال صرف میگردند و در باطن به پیش رفت مقاصد خود می‌کوشند

دیگری چنان تصور میکند که چون دولت ایران ببول شرایط استقراض تن در نداد دولتی بلباس دیگر هیاهوی آلمان را پیش آورده باین بهانه یاد داشت مذکور که قبواتش ماحی استقلال ایران و گویا شرایط استقراض را مع الزیاده در آن گنجشاده اند بدولت پیش نموده و همین نکته را بالاصاله سبب عدم پیشرفت ترفیات ایران قرارداده تا مدتی سر ایرانیان را باین سؤال و جواب گرم داشته تا از توجهات دیگر که اخراج قشون بیگانه است صرف نظر نمایند

ولی تا جائیکه ما مطلعیم تصور نتوانیم نمود که ازین یادداشت دولتی طرف بر بندند، چه توجه آحاد و افراد ملت باین یاد داشت، وزرا بواسطه عظمت مسئله قبل از آنکه رسماً رجوع به مجلس نمایند جواب نتوانند داد بلکه جواب چنین یاد داشتی که استقلال ایران را محو تواند ساخت فوق اقتدار و اختیار آنهاست، و مسلماً مجلس هم اگر چنانچه از حفظ حقوق استقلالیه ایران بیرون نیاید و سفرای دولتی قانع نشده از فشار وزرا دست نکشند لابد برای استیناف بملت واخذ رأی درین ماده مخصوص از موکلین خود بهیشت جامعه استفسار گفته موقفاً پارلمان را معطل خواهند کرد، در پیشگاه علیین این مسئولیت بزرگ را بدو دوات همسایه که خویشتن را حافظ استقلال ایران جلوه نموده خواهند انداخت که عداً تجاوز از مواد چند عهد نامه است، و بدون شبهه مقام منبع ریاست روحانی اسلام و حجج اسلامیه ایران هم درین مسئله اهم شرکت خواهند نمود و حصه خواهند گرفت، چه از سه سال باین طرف اعظم خطراتیکه برای ایران پیش آمده همین یاد داشت است، این یاد داشت خوش یکصد هزار جوانان ایرانی را که در راه آزادی ریخته شده بایمال می‌نماید، این یاد داشت صدها ملیون خسارات مالی ما را ضایع می‌خواهد، چه تحمل این همه خسارات مالی و جانی ما برای آزادی و استقلال ملی بود و این یادداشت علناً سلب استقلال از ما می‌نماید، مسلم است دوات و ملتی که در داخله خود قادر نباشد که بدون اجازه دو همسایه امتیازی بخارجه دهد و معامله با دیگری بکند دست و پایش بسته و از جمیع مزایای ترقی و استقلال محروم است

ولی ما نمیتوانیم تصدیق کنیم که مسئله آلمان هیاهوی صرف است، چه علت الطل اتحاد دولتی روس و انگلیس توجه آلمان در وسط آسیاست و از ده سال باین طرف این توجه در آلمانها دیده می‌شود، و اگر دو استانتیک کرکات ده ساله ایران بدقت ملاحظه شود دیده خواهد شد که تجارت آلمان نسبت بخود از تمام دول در ایران پیش شده است و همین ترقی تجارت توجه آلمان را در وسط آسیا بخوبی ثابت می‌دارد و آلمان که بهیچ وجه در ایران تا ده سال قبل عرض اندامی نداشت امروز در پیش

روس و انگلیس خود را دارایی حقوق تجارتی جلوه میدهد و طولی نمیکشد که خویشتن در سیاست برانهم با روس و انگلیس هم بله خواهد گفت با این همه ما هرگز تصدیق نداریم که رسماً دولت ایران با آلمان داخل بعضی مذاکرات شده باشد، و این یاد داشت دولتی منی و تهدید ایران است از داخل شدن باین گونه مباحثات با آلمان ولی جلوگیری از امور طبیعی مشکل بلکه محال است و این نشیبات دولتی را ما هیچ می بنداریم بلکه چس می دانیم که پیش آمد امور طبیعی را در ایران نزدیک تر می سازد

چون نظر در مقصبات کنونی سیاست عالم اندازیم خواهیم دید که از رحلت اعلیحضرت ادورد هتم ممکن است تبدیلات عظیم در سیاست عالم پیدا شود و در معاملات ایران تغییرات عمده بش آرد. باید داشت که نظر بقانون طبیعت اقوام قوی در مغلوبیت یک قوم فایده میگیرند، اگرچه در مغلوبیت روس هم تمام دول فایده حاصل کردید خصوصاً آلمان ولی اتحاد انگلیس با روس، روسیه را از زیاناتی که عثمانی بعد از شکست از روس یافت محفوظ داشت، چیزی که آلمان را مصر بزبان روس ساخته این است که روس ها در نقشه اتحاد با آستریا در معاملات بالکان دارند کار می کنند، وسای اند که اگر نتوانند عثمانی را هم درین دایره اتحاد در آورند، و شک نیست که اگر چنین اتفاقی واقع گردد طبعاً سیاست آلمان را زیان عظیم تو اندزد، این است که سیاستیون آلمان سعی و جاهدند که گوشالی درستی روس بدهند بهایه بلکه میدان این گوشالی را ایران قرارداد بد، که امروزه جالب توجه عموم سیاستیون و اعظم سائل سیاست عالم است. بقول یکی از دانایان امروزه چیزی که امنیت اروپا را سحت تهدید میباشد انا مناقشات سیاسی و تجارتی سری و علنی ایران است بدون شبه مسئله وسط آسیا که از یکین باین طرف جالب توجه سیاستیون بوده از تدای دوره انقلابات ایران خصوصاً این ایام اهمیت بزرگ پیدا کرده و روز بروز بر اهمیت آن خواهد افزود تا وقتی که ایران بالاصاله دارای یک سیاست مستقیم نشود، یعنی بروی پای خود نایستد،

شرکت اعلیحضرت امپراطور آلمان در نشیبه

سازنده پادشاه انگلستان با آن سلوک محبوبانه با اعلیحضرت جارج پنجم و آن روش سیاسی که جالب محبت تمام ملت انگلیس گردیده میتواند یک نامه عظیمی با اتحاد روس و انگلیس وارد آورد، و چیزی که بر این ماده و مواد مذکوره دیگر هم تصریح تواند داشت همانا تلگرافاتی است که درین هفت روز حسب ذیل روتر اشاعت داده است.

۲۶ می - ۱۶ ج ۲ مخبر روتر را اطلاع حاصل شده که دولت آلمان از وزارت خارجه برشش نموده است خیالات و معاملات دولت انگلیس را در ایران میو پیشویش وزیر خارجه فرانسه و شخص اعلیحضرت امپراطور آلمان هم در لندن با (سرادوردگری) وزیر خارجه انگلیس در معاملات ایران محبت نموده اند ولی تا کنون رسماً بین دول ثلثه روس انگلیس و آلمان مسئله ایران موضوع بحث نیامده است

پس از معاودت اعلیحضرت امپراطور آلمان حراند ولی یکصدای صلح عمومی در داده اند و این امر دال بر این است که (سرادوردگری) در معاملات ایران با رای امپراطوری روی رضا نموده است. چه از بیانات قبل طامر گردید چیزی که امنیت اروپا را تهدید مینمود همانا مسئله ایران بود پس باید (سرادوردگری) اطمینان کافی در مسئله ایران با اعلیحضرت امپراطور آلمان داده باشد و جواب استفسار دولت هم از وزارت خارجه درباره انگلیس و ایران خوب و بر حسب میل آلمان طامر شده باشد، ازین روست که جراند آلمان را صدا بصلح بلند گردیده است و از قرآن سیاسی مشکل نمی نماید که بین آلمان و فرانس و انگلیس اتحادی شده آن قرار دیرینه تبدیل به ائتلاف سیاسی گردد، همبکه اندک خلی در ارکان اتحاد روس و انگلیس پیش آید ایران از هر جهت آسوده تواند گردید، فشاریکه امروزه روس بایران وارد می نماید تمام به پشت گرمی انگلیس میباشد، هرگاه انگلیسان پشت و پناه روس نباشند روس را قوه آتش تجاوزات نیست، عجب این است که غالب اقداماتی که روس به پشت گرمی انگلیس نموده بالاصاله مقصود و منظور انگلیسان میباشد، بلکه مضر سیاست انگلیس است مانند همین یاد داشتی را که پشت و ششم ع اول بدولت ایران پیش نمودند ولی در محبت روسی خاطر صحاح داده

ورود وزارت خارجه ایتالی به برلن مخصوصاً  
برای ملاقات صدر اعظم آلمان خیلی درین مسئله  
اهم دخیل تصور می شود. اگرچه از روی دیپلماتی  
این ملاقات را بار دید سیاسی هم میتوان گفت.  
مع دالت درین موقع این باز دید سیاسی را حالی  
از اهمیت پلیدی نمیتوان بنداشت، چه بذرایع موقه  
اطلاع یافته ایم که دولت ایتالی نیز در استقلال ایران  
با آلمان دمساز است

فقط آنچه امروزه مایه عقب اوتادن ایران و  
پیشرفت مقاصد همسایگان شده طوفان بی تمیزی است  
که بد محتاجه بین خود مان خاصه در طهران برپا  
شده و مناصتاً تمام چرخهای مملکت را از کار انداخته  
است. عجبا واقعه دو سال قبل مارا فراموش شده،  
آیا مذاقه میشود که علت آن همه خرابیها در  
دوره محمد علی چه بود. محمد علی بر مجلس علیه  
حاصل نکرد مگر بواسطه اختلاف وکلا و علو علی  
برخی جاه طلبان، اگر يك نظر عمیقی بر صحاحات  
جرائد عالم اندازیم علتاً خواهیم دید همان زمره هائی  
که در دوره محمد علی درباره مجلس می شد امروز  
هم می شود، و با آنچه خوشنای ملت باز دارند،  
وکلا مارا بدنام می نمایند، و جرائد روسیه صاف صاف  
مینویسند که سپه دار و سردار ازین ترتیبهای مجلس  
و اعتدالی وکلا سعی اند که این مشروطیت را از  
میانه بردارند. و بسیاری از جرائد لکنه عدم قابلیت  
ملت ایران داده مشروطیت را لقمه مالتر از دهان  
آنها می نویسند و صاف میگویند عقد اتحادی که  
بین دولت الدوله و سردار ارفع و سردار اشرف  
والی پشت کوه شده در حسیه مجلس مبنی بر همین  
اختلاف بوده است. آیا خیر خواهان وطن به میدانند که  
اوضاع کنونی ایران سحت تراز دوره محمد علی است ؟  
چه آوقت قشون خارجه در ایران نبود و امروزه  
حاکم وطن مان لگد کوب سم ستور احباب است. امروز  
باندك اختلافی بین ملتیان ایران مانده مصر بلکه  
بدتر از مصر تواند شد. ایرانیان راست که بر استقلال  
خود رحم نموده، اولاً تا وقتی که قشون خارجه  
در وطنشان است آرام و سکون گرفته اتحاد کرده  
دست بدست يك دیگر داده دست بیگانه را از چاک  
گریبان مادر وطنشان قطع نمایند، این تلگراف که تازه  
رسیده دال است بر عدم اتحاد کابینه و مجلس.  
و در جنب موقع ناریك بالاترین بد مختیها برای يك  
مملکت خراب. يك ملت فقیر، يك دولت ضعیف،  
اختلاف است. بزرگترین اسباب پیشرفت رای همسایگان  
بهاه جو اینگونه اختلافات است. این است تلگراف  
مذکور ۲۷ می - ۱۷ ج ۱ امروز منظره که نظیر

آن تا کنون در مجلس دیده نشده بود پیش آمده،  
این منظره برای انسداد جرائد می بود که نکته  
چینی از حکومت می نمودند و بیشتر این آتسرا دامان نزد  
يك نفر از علما که خواست حق بطرف وزرا بدهد  
اگر چه کمتر میتوان اعتماد به تلگرافات و وتر  
خاصه در مسائل راجعه بایران نمود ولی چون بعضی  
قرائن خرجی هم از سابق در دست مست کاملاً  
تکذیب این تلگراف را نتوانیم کرد

و این نکته را هم نباید فراموش کرد که حرباً  
طرار و همسایگان عیار ما این گوه آتش ها را  
دامان زده ما را بخود انداخته تا متوجه افکار و  
خیالات آنها نگردیم.

درین موقع از میان يك امر ما جرمیم که اعتدالیون  
و انقلابیون را متذکر سازیم بوضع دوره محمد علی  
و تاثیرهای نومی که از یکطرف زیر سر محمد علی و  
از طرف دیگر زیر سر ملت میگذاشتند. بیشتر  
ازین میگوایم که ده يك همراهی که به محمد علی شد  
در حق آنها منظور نتواند نمود و حال امروزه  
محمد علی و اسرافیهای او بخود پرستان اعم را اعتدالیون  
و انقلابیون میسرایند

( به بین حال من راستی پیشه کن )

( نومه از چنین روزی اندیشه کن )

جاءه امروزه ما مراعات مواد دلیل است  
( ۱ ) به یا در میانی حضرات آیات الله عتبات  
عالیات يك عقد اتحاد حقیقی بین مجلس و کابینه  
بقسمی که نمود از آن نتواند نمود و موقع خوا  
عرضی و هوا برستی باحدی ندهند و این امر  
امروزه برای ایران اشد ضرورت است و حیات  
استقلال در ایران منوط بر همین يك نکته است. و  
حضرات آیات الله راست که جدا درین امر  
مساعی حمیده بکار روند و منتظر نباشند که با دست  
زرگواران رجوع شده آن وقت اقدام فرطینا  
چه اگر چنین انتظاری به کشند وقتی رجوع باد  
موالیان شود که بلهان آن طرف آب باشد

( ۲ ) بدون درنگ مجلس سنارا تشکیل دهند چه  
از روی ایدان می توان گفت تمام این واقعات که  
پیش آمده نتیجه نداشتن مجلس سناست، و اتحاد حقیقی  
بین مجلس و کابینه وزرا بدون مجلس سنایی دشوار  
است. و تعیین حدود مجلس و کابینه هم بدون تشکیل  
مجلس سنا دشوار بل محال است، نباید از مجلس  
کابینه هیچ عذری را در عدم تشکیل مجلس  
منظور نمود و هر اشکالی که پیش آورند جداً باید  
رد کرد چه عدم تشکیل مجلس سنا مؤلف هزاراد  
اشکال شده و می شود

باید خواند و فکر کرد

( ایها الناس و ای عقلای وطن ما )

بهران ایران بجای خیلی باریک کشیده ، نجات  
راضیحلال ایران هر دو نزدیک شده و آلت نیک  
بخنی و بد بخنی مملکت در دست خود مان است و  
فرصت باندازه کم شده سکه غفلت نتیجه حذی  
انهدام بنیان سعادت ما است ، بدبخنی ما زیاد و دفع  
آنها در صورتی آسان است که بدون تضییع وقت  
انگشت میان دندان گذاشته و جداً دو سؤال را  
از خود بکنیم .

علت بد بخنی ما کدام است و اسباب رفع  
آن چیست ؟ ( پیدا کردن درد بمنزله پیدا  
کردن دواست ) جهالت و اشتباه در امور  
امروز بزرگترین مانع حرکت مراده ایران شده ،  
بد بخنی در این است که تبدیل جهالت بر علم مدتی  
لازم دارد ، و ریشه اشتباه هم کننده نمی شود مگر  
بقوه علم و یا بهدایت مردمان عالم و بصیر بشرط  
وجود قوت قلب در خیره آنها ، اشکالی که مردمان  
سیاسی وطن پرست ایران را در رفع این اشتباه  
پیش آمده این است سکه اشتباه و در اشتباه  
ماندن و از روی اشتباه حرف زدن بد بخنانه در  
مملکت ما سرمایه جمع کثیری شده ، و این سرمایه  
را از دست آنها گرفتن کار حضرت فیل است ،

برای تقویت و تأیید مردمان و نفاقان سیاسی  
و جراثیم ملی در رفع اشتباه است که می خواهیم  
که بیک وسیله دیگری بازار اشتباه را کساد بنائیم ،  
آن وسیله کدام است ؟ آن وسیله این است  
سکه این دردها را با علم مداوای کامل بشود ،  
حقیقت امر را بدون ملاحظه با افراد ملت بنائیم که  
بدون اشتباه حقیقت امر را بطور ساده دیده درد  
مملکت را شناخته و بمعالجه حالت حالیه مملکت بدون  
تضییع اوقات شریف خود در گرداب های اشتباه  
سریعاً پردازد

آیا فکر و تفکر در اول کار نمودن و موانع  
راه دیدن و آماده و مسلح برآه اقتسادن و بمقصود  
رسیدن بهتر از این نیست که غفلت از همه آنها  
کرده و خود را مشبه نموده و روز بروز خودمان  
را بگرداب باندازیم ؟

حالت ایرانیان امروز خیره جهالت کسی است

که در ساحل دریائی ساکن بوده و غفلتاً باب افتاده  
عوض اینکه تا زیر پایش سخت است قدری بلند  
نموده و دوست ملاحظه اطراف را کرده و مقصد  
خود را شناخته و رو بالمطرف کرده بمقصود خود  
برسد از شدت عجب و خوف دست و پای خود را  
کم کرده سر خود را از آب بیرون نمی کند و در  
کمال اشتباه و هراسانی دست و پا می زند . . . . .  
شاید عوض ساحل رو بدویا رفته و غرق می شود  
( استقراض خارجه یا استقراض داخله )

استقراض از دولتی انگلیس و روس و بعضی  
شرایط خانه بر انداز آنها و یا ازدولت دیگر و مداخله  
دولت آلمان در اینموقع در امور ایران و زد خورد  
جراید انگلیس و روس و آلمان و ایران در این بابها  
مسائلی است که امروزه طرف توجه هستند ، دلیل اینکه  
اینک چند ماه است هرچه در این بابها گفتگو شده  
بجائی نرسیده و هرچه در این مسائل زد و خورد  
شده بهمان دست و پا زدن شخصی می ماند که مقصود  
و مقصد خود را ننجیده در آب مانده و در مخاطره  
است ، و از همه اینها نتیجه حاصل نگشته سهل است  
روز بروز بیشتر دو چار مشکلات شده ایم ، علت  
همه اینها جهالت و اشتباه است !!

اگر حرکات ما از روی جهالت و اشتباه محض  
نبود هرگز اینسلی وطن ما و بعضی از جراید و  
نفاقان بدون ملاحظه موقع باریک مملکت و سنجیدن  
قوای دفاعیه خود شان باین سختی بدول خارجه  
حمله نمی نمودند ( انسان باید زیر پای خود را محکم  
کرده آنوقت دست خود را بلند نماید )

بلی از اتفاقات و مصیبت های ایران دل ما بیشتر  
از همه می سوزد ولی آیا ممکن است که انسان  
درحالی که از دیواری می افتد دستی را محکم نکرده  
بداست دیگر قدرت بجائی بکند ، و قق که دوات آلمان  
ایالات (الساس لورن) را از فرانسه ما گرفت و ضبط  
نمود مارشال ( مافاهون ) که قوای فرانسه را بر  
خود مشبه نکرده بود خطاب بفرانسه ما گفت .  
« عجالتاً حرف (الساس لورن) را هرگز نزنید ولی  
همیشه در فکر آن باشید »

چه عیب داود که ما هم تا این درجه درحق  
خود و قوای خود مشبه نشده و قبل از تحصیل  
استعداد یا محکم کردن دستی با زیر پای خلی دست

دیگر را علامت اظهار جلالت نشان نداده و از دیوار برنداریم ، چه عیب دارد که قدری هم چشم و گوش خود مان را باز کرده خود مان را بیشتر از این مشبه نموده قدری هم از قول فعل بپردازیم ؟

به پشت گرمی کدام دولت و ملت است که با دولت دیگر جنگ می کنیم ؟

چه ضرر دارد که مثل دولت ژاپون اول نقل و تفکر نموده و نواقص خود مان را اصلاح باشیم تا با طبع دول خارجه ملاحظه ما و پلنیک ما را بکنند ؟

بلی اگر دولت آلمان واقفاً در خیال تحصیل امتیازات و دادن پول در ایران و فکر حمایت و همراهی با ما داشته باشد البته دولت آلمان سهل است هر دولتی را امروز ما همین وسایل داخل ایران نکنیم و پول خارجه را باین طریق بایران بیاوریم از اشد ملزومات و واجبات است ، ولی به اشتباه و بحرف و نه بگفته کسی که شاید هیچ وکالت هم در این باب ندارد ، و یا اگر دارد می خواهد سر مارا مشغول کرده مقاصد دیگر آلمانرا در نقاط دیگر و در مسائل دیگر تحصیل نموده و آنگاه مارا وجه المصلحه قرار بدهند که وضع ما بدتر بشود

در مملکت ما بدبختانه امروز از برکت جهالت و اشتباه این طور شده است که هر کسی بشرطیکه کلاه فرنگی داشته باشد هرچه بگوید باور خواهند کرده و بدون اینکه اول شخصیت او را دیده و اطراف کار را سنجیده و اهمیت تکالیف اظهارات صاحب کلاه فرنگی را فهمیده بنای مذاکرات با او بگذارند فوراً با همچون شخصی نشسته نقشه محاصره هندوستان و تصرف گرجستان و یا اقلایک استقراض سیصد ملیونی را در خارجه می کشند ، مضحك تر از همه ایسکه این طفل خیالی قبل از پدر و مادر یعنی این خیال واهی بدون اساس فوراً در عالم تصورات قدم به عالم کاینات گذاشته و صدای نعل کفش های طفل يك شبه ره صد ساله می رود ، و فوراً در تمام دنیا مشهور می شود ، و ما يك دفعه از خواب بیدار میشویم می بینیم جوی در سکنار ایستاده بمحاصره هندوستان و گرجستان مؤاخذه می کنند و آلمان هم مشغول واد آهن بنده است ، و می شنویم که انگلیس

چه میگوید و روس چه می خواهد ، آلمان چه گرفت و هیچ نمی بینیم که ایران کجا است ، چرا ؟ بجهت اینکه اولیای امور ما از پلنیک خارجه و جریات امور دیا بکای خاقلند بطوری سکه می گویند فرصت خواندن روزنامهجات خارجه را هم ندارند ، بجهت علت ؟ بعلت اینکه اشتباه و جهالت افراد ما اولیای امور را با اندازه مشغول دفاع و دو چار جزئیات کرده است که فرصت ملاحظه کلیات برای کسی حاصل نیست ، چنانکه مجلس ملی ما از صبح تا شام مشغول مسائل جزئی است سهل است که اوقات خود را بجزئیات و عطالی سکه راجع به مجلس هم نیست صرف می کند و هنوز بودجه دولتی که ملاحظه و ترتیب آن اول وظیفه مجلس است بعد از پنج ماه از مجلس نگذشته ، بدتر از همه این است که هنوز وکلای ملت ما پروگرام ندارند و زحمات عقلای آنها در این باب تا حال متمرکزی نشده ، اگر پارتنی های مختلفه در مجلس پروگرام می داشتند اعراض شخصی رفع می شد چرا که پروگرام مقصود جوی است و مقصود جوی ما به حتمی اتفاق آنها است

مجلس آئینه ملت ما است

( رفع اشتباه )

اگر رفع اشتباه نکنیم هرگز مارا آلمان جدی نمی شود گفت ، پس برای هرکاری اول باید بدانیم که بدبختانه امروز در داخله خیل ضعیف شده ایم و در خارجه اعتباری برای ما باقی نمانده ، مشول این صدمات ملی ما اسلاف ما باند و بدترین دردهای ما را علت همان بی پولی و قحط الرجالی است که نتیجه استبداد می باشد ، با این وضع تکلیف در اظهار رشادت در داخله و خارجه نیست به تعقل و تدبیر باید مشول بشویم ، لازم است که اول خود و مملکت خود را بشناسیم و از اوضاع و پلنیک خارجه درست مطلع باشیم ، و هرگز نقشه پلنیک داخله و خارجه مان را از مد نظر دور نکنیم ، بیارت آخری تمامی عیوبات امر و اشکالات را که در جلو داریم دوست و یگان یگان امتحان نظر کرده سهل است همیشه آنها را در آینه چون صورت خود دیده و نجات خودمان را در عدم بندی و خشونت و در طی منازل بندبیر و تعالی و اعتدالیات



فرداخله و خارجه جی را مشغول نیمة استقراض  
 از برای ایران و جی دیگر را مشغول فحاشی  
 بدول خارجه و اظهار رشادت می بینیم و چون  
 تمامی حرکات آنها بی اساس است نتیجه این شده  
 که جی هم دیگر می تازند و جی جاهل بر مسئله  
 بر عقلا می تند و جی در این بابها نطقها کرده  
 مردم را می شورانند و جی دیگر بعضی وکلا و غیره  
 را شریک اشتباه خود شان نموده و مدتی اوقات  
 آنها را صرف نقشه محاصره هندوستان و گرجستان  
 و یا سیصد میلیون قرض در خارجه می کنند و  
 وقت باین طور می گذرد و فرصت فوت می شود،  
 وصول مالیات در عهده تاخیر می ماند و بامید  
 اینکه استقراض خواهد شد امورات دیگر مخصوصاً  
 وصول وجوهات دیوانی در همه جا و حرکت  
 ادارات ملی معطل می شوند، بالاخره هیچ نتیجه  
 از اینها حاصل نمی شود مگر مزید بریشانی و بدبختی  
 ما. چرا؟ بجهت اینکه اشخاصی باین مسائل دست می  
 زنند که عالم بر امور دولتی و پلتیکی نیستند و یا  
 کسانی آمده هرار وعده و وعیدها در این بابها بهم وطنان  
 بچاره ما می دهند که حق دادن این وعده ما را  
 ندارند و ازوضع ما بکلی بی خبرند و همین طور  
 وقت ما ضایع میشود و اشتباه، و گاهی باشتباه  
 همدی عمر ما تلف شده و سیل بنیان کن روز  
 بروز بیشتر داخل خانه ما میشود، در این صورت  
 چه عیب دارد یک دفعه رفع اشتباه از بعضی و  
 دفع آلت اشتباه از بعضی دیگر نموده و ملت  
 بچاره خودرا مطلع بکنیم که بدبختانه بموجب قرار  
 نامه استقراض روس (قرار نامه که آینه ذات و  
 جهالت و خیانت دو یا سه نفر است) حق و  
 قدرت استقراض از خارجه از دولت ایران مسلوب  
 شده یعنی دولت ایران متعهد شده است که قبل  
 از ادای کلیه قروض روس از خارجه قرض نکند؟  
 این در این باب قبل از تدابیر صحیحه هر چه  
 هر کس بگوید و بنویسد ولو اینکه بمرارت ملت  
 برستی هم باشد نتیجه نخواهد داد، و معلوم است  
 با این بی اعتباری که در خارجه حاصل شده هیچ  
 دولت و ملتی امروز باندازه که دولت ایران اول  
 قروض انگلیس و روس را ادا نماید مشکل بدولت  
 ایران آنها علی الرغم این دو دولت پول بدهند،

این چاره بجز این نیست که حتی الامکان یا بشرط  
 ملاحظه استقلال خودمان از این دو دولت قرض  
 بکنیم و یا اینکه در داخله قرض نمائیم  
 ( استقراض از خارجه )

استقراض از خارجه یعنی از دولتی انگلیس  
 و روس از برای ما خیلی مشکل شده بعلت اینکه  
 از برکت همان جهالت و اشتباهی که تفصیلش ذکر  
 شد، بدون اینکه ذره از مقاصد ما حاصل بشود  
 فریاد طفل واهی تصورات ما، چشم و گوش  
 انگلیس و روس را باز کرده و آنها را از اقدامات  
 آلمان در ایران بی انتها نگران نموده و شرایطی  
 که برای استقراض جدید معین کرده اند که قبول  
 بعضی از آنها بترتیبی صکه پیش نهاد نموده  
 اند البته مضر بر استقلال ایرانش است، در این  
 شرایط آنچه هر عاقلی مستتر می بیند این است  
 ( آلمان نباشد )

اگر بخواهیم خصومت پوتلیکی روس و انگلیس  
 را با آلمان و نقشه های این دولت را در آسیا  
 و مخصوصاً درمسائل واجبه برآه امن بغداد توضیح  
 بکنیم از موضوع کلام خارج خواهیم شد، همین قدر  
 باید گفت که پوتلیک روس و انگلیس بر این است  
 که هر شکلی است دست آلمانرا از حوالی ایران  
 کوتاه نمایند

بطوری که گفته شد اگر آلمان بخواهد و  
 حاضر بر همه جور قداکاری بشود و ما را اطمینان  
 و پشت گرمی جداً و رسماً حاصل بشود مداخله  
 آلمان و غیر آلمان در ایران عین صلاح است ولی  
 آیا این اطمینان برای ما حاصل است؟ و اگر  
 بدون این اطمینان در عالم اشتباه کاری برضد منافع  
 خود مان اقدام بکنیم صلاح ما است؟

اول شرطی که از شرایط روس و انگلیس  
 مخفی استقلال ایران است مسئله ترتیب ژاندارمهای  
 ایران بتوسط صاحب منصبان خارجه است

دویم - حق پیش قدمی روس درشمال و انگلیس  
 در جنوب از برای ساختن راه آهن است  
 سیم - امتیاز انحصار کشتی رانی دریایچه اروپیه  
 بدولت روس است

مسئله تفریل صدی هفت و غیره خیلی عمل توجه  
 است ولی از مسائل درجه دوم اند

در ترجمه و تفسیر این شرایط خیلی چیزها در افواه است و بدبختانه صورت رسمی آنرا نداریم ، ولی آنچه معلوم می شود مضمون شرایط همانست است که ذکر شد ، و آنچه مقصود از آنها است و در برده نوشته شده این است ~~که~~ در شمال ایران ژاندارمی در دست صاحب منصبان روس باشد و در جنوب ایران در دست صاحب منصبان انگلیس و مقصود این است که صاحب منصبان آلمان نباشد و در منطقه روس راه آهن نتواند درست بکند ، مگر روسها ، و در منطقه انگلیس فقط انگلیسها ، بملت اینکه وفق که حق تقدم بانگلیس و روس داده شد هیچ کس غیر از انگلیس و روس برای گرفتن امتیاز و تحصیلات علمی خطوط راه آهن که مخارج گزاف لازم دارد مرکز اقدام نخواهد کرد و هیچ کسی نمیتواند که وقت و پول خود را رفته در ایران صرف این مسئله نکند و در آن آخر انگلیس و روس بموجب همان حتی که مانها داده خواهد شد آمده امتیاز را از دست صاحب آن بگیرند ، پس اگر نخواهیم از انگلیس و روس قرض بکنیم فقط در صورتی می شود اقدام باین امر نمود که يك شكلی جدیدی برای این شرایط پیدا و یا بعضی از آنها را موقوف کرد مثلاً ممکن است که قرار داده و ژاندارمی را بواسطه صاحب منصبانی که انگلیس و روس و آلمان هم باشند مرتب نمود

برای ژاندارمی - فرانسه و ایتالیا بر مشق تمام دنیا است

در باب راه آهن می شود قرار گذاشت و يك دفعه این مطلب و مطالب دیگر را اولیای دولت ما باید ما دولت انگلیس و روس دوستانه و حداً گسنگو نموده و بگویند که ملت ایران زندگی دارد و می خواهد راه آهن داشته باشد و می تواند تا بیست یا سی سال دیگر باز از این رشته سعادت و تمدن محروم باشد ، اگر مقصود از این قراری که می خواهید بدهید باز محروم ساختن ایران از راه آهن است که ملت ایران بیدار شده و می خواهد و ما اولیای امور از عهده و پیمانیم و اگر تیر از این است چه عیب دارد هر خطی را ~~که~~ جدا می خواهید بسازید

امتیاز آنرا بشما میدهم ، بشرطیکه تا يك سال شروع کرده و تا يك وقت معین تمام نماند و الا وعده امتیاز شما منقضی شده و حق تجدید آنرا ندارید و یا اینکه حق تقدم که می خواهید باین شرط باشد که اگر کسی غیر از شما طالب امتیاز شد و برای تحصیلات عمل يك خطی صرف مال و وقت نمود و شما خواستید که این خط را بهمان شرایطی که طالب امتیاز می خواهد بسازد بسازید ما این حق را بشما میدهم در صورتیکه شما هم متعهد بشوید ~~که~~ از عهده خسارت مال و وقت طالبین امتیاز بر آید و راه را فوراً خود تان بسازید و یا بگذارید که خود آنها آن خط را بسازند و الا چه طور میشود که علت ایران از منافع راه آهن که ساختنش یکی از اسباب سعادت او است بیشتر از این صرف نظر نماید

دریاچه ارومیه هم نه انحصار بلکه حق کشتی رانی میشود داد در صورتی که سایرین هم همان حق را نتوانند دارا بشوند

توزیل از صدی پنج بیشتر حرام است

شرایط دیگر را هم باید اصلاح کرد و همه اینها در صورتی است که استقراض هیچ بوجه معتدبه که مکی ملرومات حالیه و دو سال آتی ایران باشد بشود واسلم شقوق این است که این استقراض را بگذارند که ایران در خارج از انگلیس و روس در فرانسه یا سایر دیگر بطور استقراض ملی که تمام دول می کنند از صرافات بکنند نه شخصاً از دولتین ، و وجه آن باندازه باشد ~~که~~ تمامی قروض سابقه را هم بتوان ادا کرد و اسهام استقراض ایران را داخل بورسهای فرنگ نمود

در هر صورت اگر امتیازات راه آهن وغیره و قرار داد های دیگر بطوری که در فوق ذکر شد بخارجیه داده شود لازم است ~~که~~ در مقابل این امتیازات عوض گرفت و هیچ چیز را بلاعوض نداد ، در باب عوض دو چیزی را بلاعوض ندادن خیلی باید فکر کرد

مردان سیاسی میخواهند که با این آزادی و قوت قلب و آشکاری حرف زده و محسوسات ملی ما را بخارجیه حالی نمایند که محسوسات ملی ما

( استقراض داخله )

آنچه در تمام روزنامهها در باب استقراض داخله نوشته و هرچه از غیرت و وطن پرستی مردان زمان ایران در این باب دیده شده خیلی جای تحسین است در صورتی که مقصود فقط نمایش حیثیات ملی باشد، ولی اگر بی نتیجه باشیم باید گفت هر چه تا حال شده خیلی خنده دار است، و باز دلیل بر جهالت است و اشتباه،

مثل مشهور است (برداشتن سنگ بزرگ علامت نینداختن است) این حرفها که تا حال گفته شده و نقشه ها که کشیده اند همه صحیح است ولی مهندس و نقاش این نقشه ها در نظر ما مثل کسی است که از خارجه تازه وارد ایران شده باشد و یا بگذارد آشکار تر بگویم که بهتر رفع اشتباه بشود، مثل طفل و یا شخص جاهلی است که معنی و اندازه فرسخ را ندانسته مدعی میشود که روزی پیاده صد فرسخ راه خواهد پیود،

چه عیب دارد درین باب هم حقیقت مطلب را جلو گذاشته اشتباهات را کنار نموده و بطور ساده و صاف با ملت خود حرف بزیم که نتیجه حاصل بشود و بحیثیات دلربای آنها که مایه بسی امید واری است اهانت نشود، باید دانست که هیچ ملتی بدون ضمانت و محل ادای قرض و مخصوصاً بدون اعتبار امضای دولتی که در مملکت ما نیست و بدبختانه امروز معدوم شده قرض نمی دهد و تا مطمئن از اداره و ترتیب صرف وجه استقراض نگشته و لزوم آن را احساس ننموده حرف خوب می زند ولی قرض خوب نمی دهد

می گویند در راه نجات وطن اینای آن باید از جان و مال بگذرند بسیار حرف صحیح است ولی اگر این فداکاری را بکنند و وطن هم نجات نیابد و پولی هم که می دهند از ترتیب اداره و مصرف آن مطمئن نباشند آنوقت چه باید گفت؟ چون حرفهای باین سادگی و پوست کندهی کن است مایه تمجب اشخاصی بشود که سالها در شتابند و جاهل بر مسئله هستند لذا از لطف

در دین مینگاریم

چنین می گوید رئیس جمهور آمریکا، ( انسان باید در اجرای وظایف خود بشخص خود نسبت بوطن خود طبیعت خود را بروز بدهد اول وظیفه انسان نسبت بخود و بخواباده خودش است و باین وظیفه نمی تواند عمل بکند مگر بواسطه تحصیل مال که برای آسایش خود و اولاد خودش لازم است تنها بعد از انجام این وظیفه است که انسان می تواند زیر پای خود را محکم دیده و بیک وظیفه اعلی تری دست بزند یعنی مشغول تهیه اسباب آسایش عمومی بشود، پس انسان وقتیکه اول جای شخص خود را محکم کرد آنوقت می تواند بخدمات عمومی پردازد، ولی باید فراموش نکرد که در صورت انجام وظیفه اولی اقدام بوظیفه ثانوی که عهده آن کامل است از واجبات است )

مقصود از این نقل قول این است که حرفی بزیم که برخلاف طبیعت است چرا؛ قانونی که اجرائش ممکن نباشد حکم مرده را دارد، پس خوب است مسئله استقراض داخله را در ایران مثل سایر مسائل دیگر واروه نکنیم و از دمش شروع نکنیم، توضیح آنکه در فرنگ برای هر استقراضی که باشد اول هیئت معین می شود که علت آن استقراض و بروگرام خرج آن و محل ضمانت و تادیه آن را درست معین نموده و این عمل را قبل از اینکه از برده خارج بشود کاملاً سنجیده و از انجام آن بواسطه ضمانت و محل سکه می دهد مطمئن شده انتشار آن را بجمعی از معتبرین بطور کلی رجوع می کند و بیک قیمتی آنهاستقراض را با آنها می فروشد و آنها هم حق الزحمه خود را بطور مناسبت روی آن کشیده بعد از پاره اقا لازمه از برای پیشرفت و شجاعت آن در ایالات تهیه همه نوع اسباب اطمینان در روز همین را و اعلان می نمایند و کتباً و بواسطه ج قرض و بروگرام صرف و محل ضمانت و محضات آن را منتشر می سازند و قریب طالبان اسهام آمده در اماکن معینه آید بنویسند و برای سهولت امر بر خطا

همه جا می خوانند ولی روزنامهجات ما در جایی خوانده نمی شود مثلاً در باب موقر السلطه هرچه نویسیم با نوشت همه خوانند و نوشتجات او عقیده مردم شد و هرچه (ایران نو) در تکذیب آن نوشت لابد در ایران ماند خصوصاً که دول خارجه و خلاف دولت ما برای انتشار نوشتجات جراید داخله خود اداره مخصوصی دارند و ترجمه یا اجمال آنها را تمام سنارت خلیهای خود شان می فرستند در سفارت خلیها هم قوای لازمه از قبیل عمله و منشی و پول و همه چیز برای انتشار آنها حاضر و مهیا است  
(مرکز پاریس)

### حبل المتین

شاید در اول وهله چنان معلوم شود که غرض مرکز ازین بیان مخالف با اتحاد و استقراض از آلمان است و حال آنکه چنان بیست چه مرکز تابع ادکار ما بوده و هست بلکه عرض آن است که ایرانیان وجه المصلحه و سنگ روی بیخ آلمان نگردند، چنانچه ما خود هم مکرر نوشته ایم واضح تر آنکه باسم دوستی سری آلمان دشمنی رسمی روس و انگلیس را برای خود دعوت به نماید، ساده تر آنکه کم بگویند و بر بکنند و تا می تواند ریش با آلمان ندهند مگر در صورتیکه اگر یک قدم آلمان جلو آید دو قدم همسایگان عقب روند ورنه جلو آمدن آلمان قوز بالای قوز خواهد بود

در مسئله استقراض داخلیم شبهه طرفداری روس و انگلیس به مرکز رود و ما مدتهاست که درین موضوع توضیحات میدهم. حالا باید متظرمانند که پشهاد کیسیون استقراض بمجلس مقدس چه خواهد بود و ما امید داریم ترتیباتی که پیش نمایند علمی و از روی صحت باشد، عرض مرکز همین است و این ترتیب علمی صورت نمی بندد مگر باستخدام یک نفر ارباب فن از خارجه و طبعاً این امر مزید اعتبار دولت در داخله و اعتبار ملت بدولت میگردد، اولین شرط پیشرفت استقراض داخلی آن است که اساسی بروی کار گذارد. آید که ملت اطمینان در عدم حیف و میل وجوه استقراضی حاصل نماید این یک سال اخیر هنوز وزرای ما نتوانسته اند اعتبار و دیانی از خود در قلوب ملت جای دهند بلکه نتوانسته اند از بی اعتباری وزرای سلف یعنی از مقام منبع خود چیزی بکاهند

تا بعد از ختم کار معلوم بشود چقدر از اسهام مطلوبه می توان باو داد. چون بسی وقت برای یک استقراض صد ملیونی از برکت ملاحظه نکات لازمه و اعتبار دولتی پانصد ملیون پیدا شده و طالبین اسهام اسامی خود شان را می نویسند، رسم خارجه این است، اما در ایران به هیچ یک از این مسائل ملتفت نشده جاهل و یا طفل و از طی مسافت صد فرسخ راه را قبول نموده اول در روزنامهها اعلان می کنند که مردم بیاید پول بدهید بکجا، بکی، برای چه، بچه اطمینان، بچه ضامت. بکدام اداره، بکدام صندوق، و از برای کدام خرج، و باز بچه اطمینان؟ این است که روزنامههای روس می نویسند که در تبریز بعد از این همه های هوی سیصد و بجاه منات برای استقراض داخلی جمع شده

پس استقراض داخله به همین ترتیبی که در فوق ذکر شد باید نمود و الا با های هوی دل خود را خوش کردن و نقشه ها روی آب کشیدن صندوق واهی استقراض ملی را بر میکند

### محرمه تمام ایران

بدون تعیین علت قرض و پروگرام صرف آن هر کسی استقراض بکند و یا پول بدهد خیبط کرده باید اشتباهات را کنار گذاشته و آشکار گنت که استقراض برای ایران فقط در صورتی لازم است که اداره صحیح حاضر باشد و مبنای پروگرام مخارج این استقراض بر این بشود که وجه استقراض را خرج نکنند مگر برای ترتیب ادارات و بوسایل حاصل خیز مثل ساختن راه و ترتیب وصول مالیات از هر قبیل و دکار انداختن معادن و کارهای محبت و غیره

### توصیه

لازم است که در طهران روزنامه فراسه چاپ و منتشر بشود که وسیله ابلاغ اخبار خارجه و تکذیب پاره ارا حیف خبر نگاران و روزنامهجات خارجه در طهران و معرفی ایرانیان بخارجه و تهذیب عقاید در فرنک و دفاع ایران باشد و الا هر چه جراید محترمه، ما در این بابها می نویسند بجز اینکه در حوضه خود شان باید نتیجه نمی دهد سهل است انتشارات جراید ایران مایه تحریص و نوشتن پاره مقالات در بعضی جاها می شود و همه آنها را در

چرا ؟ بواسطه آنکه هنوز همان اوضاع سابق در  
بزارخانه ما باقی است

در خصوص انتشار اخباری در طهران بزبان  
فرانسه این عقیده را ما از دیر باز تصدیق داریم  
و برای انجام همین مقصود دو سال است مقدار کافی  
از حروف که کفایت برای یومیه يك اخبار فرانسه  
را به نایب طهران فرستادیم و اینک هم در تجارتخانه  
مختره جمشیدیان موجود است هرگاه جوانان تعلیم  
یافته ایران در انجام ایرامر که اشد ضرورت است  
همق فرمایند اداره حبل المتین در همه گونه مساعدت  
یا آنها حاضر خواهد بود

قابل توجه وزارت مالیه راجع بخوبی  
عرض از تاسیس سلطنت ملی و تشکیل دولت  
شوروی این بود که فروعات ولایتی و حقوق  
دولتی از قریب و تصدیع محفوظ و مصون ماند .  
و دست تصرف غاصبین از مداخله در امور کواه  
شود و بیت المال مسلمین بهیچ مشروع در تحت نظارت و  
حفاظت والی صدقات یعنی وزیر مالیه در آید و بمصرف  
حفظ استقلال و سد نفور مسلمین برسد و صرف  
مشتمیات فلان امیر و خان و وزیر نگردد . بحکم  
شرع و قنوی عقل رعایای هیچ مملکت زرخرد نیستند  
و قادر ذوالجلال آنها را حر و آزاد خلق فرموده  
و هر کس بر سر مال خویش حق تسلط و اختیار  
نامه دارد ولی از آنجا که بشرنوعاً محتاج با اجتماع و  
در عین احتیاج طبعاً مایل بتعدی بر نوع خود میباشد  
از اینرو محض حفظ حقوق عامه هیئت را از کفالت  
و رجال مملکت خویش باسم دولت و سلطنت انتخاب  
می نماید و در تحت قوانین موضوعه حدود و حقوق  
آنها را معین نموده حفاظت مال و جان خود را  
بست آنها می سپارد و از حاصل زحمت خود هر  
ساله باندازه کثاف مبلنی باسم مالیات برای صرف  
مخارج بآب هیئت می بردارد ، تا آنکه در کمال  
آسایش و رفاهیت در تحت نظام امنیت مطلقه تعیش  
و زندگانی نماید ، لذا باید در اخذ مالیات و مصرف  
آن چنان اعمال مراقبت شود که از حیث و میل  
صد دینار محفوظ و مصون باشد ، نه آنکه هر کس  
ادنی تسلطی پیدا کرد و تحصیل عنوان موروثی با  
کسی نمود در منطقه نفوذ خود خودسرانه هر چه  
بخواهد بکند و بمیل خویشی و هوای نفس هر قدر

حرص و طمعش اقتضا کند از رعیت بچاره بگیرد  
و صرف تعیش ایام زندگانی و ذخیره اخلاف خود  
نماید

از بدو سلطنت قاجاریه تا کنون مملکت ایران  
مانند جسد شتر قربانی قطعه قطعه شده و هر  
قطعه در تحت نفوذ و سلطه يك رئیس در آمده  
بغیر حق خود را اولی بتصرف میداد و بنظر رقبت  
با زبردستان معامله می نماید ( یا کلون مال الله  
دولاً و یاخذون عباد الله خولاً ) معاملات دیوانی  
با این رؤسای فائده در امور مالیات بطور اجاره  
و استجاره بوده است ، محلی را از حکومت موافق  
میل و دلخواه خود اجاره نموده هر چه میل و  
خواهش سرکار مستاجر اقتضا نماید باسای مختلفه  
از رعیت بچاره گرفته میشود . گرفتن مالیات  
تایمال در ایران ترتیب و قانون صحیحی نداشته و  
همان قاعده میشومه اجاره و استجاره جاری میباشد  
اگر گرفتن مالیات بطور اداره بعد از عین علمی  
بدون تحمل زیادتى مجری گردد آنوقت معلوم  
خواهد شد که در این مدت قسمت دولت ده يك  
هم بوده است ، صحت و سقم این مطلب بعد از تبدیل  
اجاره گمرکات باداره بخوبی واضح میشود . باوصف  
بفاه قانون نامصحیح اجاره نه دولت میداند چه قدر  
مالیات بر رعیت تحمل شده و نه رعیت میداند که  
چه اندازه حاصل زحمت خود را بدولت متبوعه  
خود داده است .

کلینه سواحل جنوب همین حالت را دارد و  
هر ناحیت و بلوکی در تحت تصرف یکخان  
مقتدر است که آب محل را هر ساله به دراهم  
معدوم اجاره میکند ، اداء این قلیل مال الاجاره  
هم بعد از خرج ترانی و خوش حسابی تابع  
اقتدار و تسلط شخصی حکومت محل است و ابدأ  
اولیاء امور نمیدانند چه قدر و از چه چیز و بچند  
قسم مالیات گرفته میشود ، چنانچه در سنه ۱۳۱۹  
مسیو ( دامپرین ) رئیس گمرکات خواست که در  
بندر ریگ تاسیس گمرک نماید خان معتذر باین  
شد که اگر تاسیس گمرک شود برای اداء مالیات  
محل نیست ، بدرباریان خوش باور که از هیچ جا  
اطلاعی نداشتند همین را حلی نمودند ، بالاخره پس  
از مذاکرات بسیار قرار بر این شد که از نابت

مال الاجاره بلوك محسوب دارد و شول و بندر ريك و مفاص مرورابد خلك كه سالی دو هزار تومانست هر ساله باسم مواجب مبلغ ۱۷۰۰ تومان بخانت داده شده و ۳۰۰ تومان ديگر را بديوان اعلى بدهند - و حال آنكه ماليات بلوكات مذكور و مفاص مرورابد از سي هزار تومان بطور يقين متجاوز است. بعلاوه هر ساله از ناخدایان خاركي كه در بوشهر اقامت دارند ۷۰۰ تومان باسم ماليات ميگیرند و گویا فقط همین مبلغ است كه از بابت ۳۰۰ تومان و تقدیمی حكومت داده میشود

برای جلوگیری ورود اسلحه و عمل قاچاق كه در این چند سال اخیر از طریق رود حله و بندر ريك معمول و اسباب ضرر كلی گمرك گردیده بود ( میو لائو ) در اواخر ربیع الثانی به بندر ريك رفته در باب ایجاد گمرك با خان مذاكره نمود خان هم كما فی السابق عدم اداء ماليات را پیشنهاد نموده مالاخره قرار شد كه سالی مبلغ ۱۸۰۰ تومان از بابت ماليات رود حله كه ۵۰۰۰ هر او توماست باسم تخفیف یا مواجب نقصان خان بدهد - خان هم این مبلغ كه شلتاق و مداخل دیگری بود مع المنویه بایك شغف باطنی ( كه فرنگی را گول زده و دخل دیگری برده ) و اظهار تسلیم و اقتیاد ظاهری خود قبول نمود و بسلامتی دو نفر آدم برود حله رفته اداره گمرك تشكيل و مفتوح گردید حال باید وزارت جليله مالبه در اینجا اعمال مراقبت و ملاحظه كند كه دادن سالی مبلغ ۱۸۰۰ در مقابل ایجاد گمرك در رود حله برای دولت صرفه دارد یا ضرر ؟ معلوم است در این معامله غبن فاحش طرف دولت است. اولاً بجهت آنكه تاسیس گمرك ابدأ بماليات رود حله ضرر نمیرساند. زیرا كه ماليات آنجا از خراج اراضی گرفته میشود آنهم ۱۰۰۰۰ هزار تومان میگیرند. و ۵۰۰۰ هزار تومان بحكومت میدهند. و این ۱۸۰۰ تومان ضرر بجایست كه بدولت وارد آمده. ثانیاً از رود حله مال التجاره حمل نمیشود كه گمرك مایدان داشته و مواجب حملجات و اجزاء گمرك باید از گمرك خانه بوشهر داده شود. ثالثاً قائده تاسیس گمرك در این بنادر جزو بجهت جلوگیری از عمل قاچاق است. بدبختی آنها بواسطه نفوذ و غلبه ضباط محصل و ضعف

مدیران گمرك تا هنوز معمول و جاریست نمیخواهیم بگوئیم كه تاسیس گمرك در این بنادر جزء لازم نیست بلکه عرض میکنیم كمال لزوم و اهمیت را دارد. ولی با ملاحظه صرفه و بر داشتن قائده نه اینکه ضرر بدولت وارد بیاید و ابدأ در مقابل صرفه نباشد - از اولیاء دولت خاصه وزارت جليله مالبه امیدواریم كه تحقیقات لازمه در مطالب مذكوره بعمل آورده نگذارند باینكه كه بمنزل روح مملكت است نقصان و زیان وارد بشود

تقل از روز نامه شریفه مجلس

( انجمن بین الملل لندن )

چون بمناسبت اقتضای قرن بیستم افكار جدیده دانشمندان روزگار امروز در يك لوحه نووان و يك صفحه شعتمانی جلوه گر میگردد. یعنی میخواهند چنانكه بواسطه قوای برقیه و اتصالات آهنین وسائل نقل اخبار و اجسام را بوجه اسهل فراهم آورده اند بوسیله روابط اخلاقیه و سیاسیه دلمایی صافیه ملل عالم را هم كه در این خانه خلك باهم شركت زندگانی دارند بیديگر نزدیک نمایند و دوائر صغیره افكار جدیده هر ملت را كه طبعاً محدود بمحدود مختصه آن ملت است بزیادتی روابط دوستانه بین الملل مبدل بدائرة عظیمه مشتركه نمایند كه محدود بمحدود عالم بشیریت بوده باشد

تاملل ضمیمه از مساعدت اقویای ملل استعانت جویند و درماندگان از ام در برتو اشعه انوار اتحاد و اتفاق یا ملل ساثره بار خود را در منزل سعادت فرود آرند. و نواقص علمی و ادبی و تجارتي و صناعتی و اخلاقی خود را بدست قدرت و توانائی اتحاد بین الملل مجد كمال برسانند. و سد های آهنین موانع بسیاری را كه در پیش پای ترقی و تمدن خود مشاهده مینمایند بقوت بازوی اتفاق ساثر ملل باسانی از میانش بردارند و باجله بواسطه تماسی افكار و تبادل خیالات و حسنیات جدیده شرقیه و غربیه شرقی و غرب عالم را محاط يك دائره محیطه نورانیة اتفاقیه بنمایند كه در حسن معیشت بانزاکت عالم پذیری آثار آن اتفاق و اتحاد را مدخلیت عظیم بوده باشد

از این جهت مدتی است در بریطانی كییر در شهر شریف لندن جهت جی او دانشمندان بزرگ



روزگار انجمن اتحاد بین الملل مرکب از نژاد های مختلفه دنیا تاسیس گشته و بموجب مکتوبی که از آن انجمن محترم راجع بدخواست قبول عضویت افتخاری بنده نگارنده رسیده تاکنون جمعی کثیر از بزرگان دنیا و خیرخواهان عالم انسانیت مخصوصاً از اعضاء قدیم و جدید مجلس صلح لاهه و از معلمین بزرگ حقوق دول و از رؤسای قدیم پارلمانهای اروپا و سفرای بزرگ دول و دانشمندان از جهل ملت در آن انجمن قبول عضویت نموده اند

و از حسن نظر مملکت ایران را هم نظر بیست و قدمت تاریخی آن که دگر همیشه زینت تاریخ قدیم روزگار و آثار عتیقه اش حلوه دهنده موزه های بزرگ ممالک متقدمه عالم است و نظر بحیثیات جدیده اش که شروع تحدید زندگانی نموده و میباید از مطلع نظر ملاحظه احتیاطیه خود دور نداشته اند

از این جهت لازم داستم احوالی از مقاصد عالیه آن انجمن را گوش زد دانشمندان وطن عزیز خود نموده توجه خاطر هموطنان محترم را بجات آت انجمن جلب نمایم ، رایج استحصار خاطر عموم دانشمندان ترجمه پروگرام موقت انجمن را در ضمن این مقاله مابیع نموده ضمناً از حضور علمای عظام و دانشمندان کرام استدعا نمایم که در مواد پروگرام مزبور دقت نظر فرمایند و اگر در خصوص هر یک از مسائل مبحوث عنه آن بخواهند رساله یا مقاله تالیف فرمایند که مجموعه آن ها در صورت صلاحیت نیاز وطن عزیز ما بآن انجمن محترم بوده باشد مناسب خواهد بود

و مخصوصاً در بیان حکم و مصالح اوامر مطالعه شرعیه اسلامیه که اغلب مطابق مصدقات عقلیه کایه و احساسات علییه و اخلاقیه عصر حاضر است مزید توجه و اهتمام فرمایند

امیدوارم دانشمندان وطن ما نتایج حسنه اظهار حصیات وطن پرورانه خود را در برابر افکار بزرگان عالم منظور نظر داشته از مساعدت و همراهی مضایقه نمایند که برای سعادت آتیه مملکت ما بسی با ثمر است

صورت توجه لایحه انجمن بین الملل  
انجمن بین الملل - قراقرز شده است در لندن

بازدم ژوویه هزار و نصد و یازده مطابق بیستم سرطان یک هزار و سیصد و نه انجمن عمومی نژادی منتقد گردد راجع بروابط ملل مختلفه مشرق و مغرب و غیره ، مسائل روابط مابین ملل اروپائیس ایران ، هندوستان ، ژاپون، جدا جدا طرح خواهد شد

السنه رسمیه این انجمن زبان انگلیسی، فرانسه ، آلمانی ، ایتالیائی، خواهد بود، ولی زبانهای مشرق زمینی هم بکلی مرتفع نخواهد بود کتابچه هایی که اعضا مینویسند بکجا قبل از افتتاح مجلس مطالعه شده طبع و نشر خواهد شد، مولفین آن نوشتها نماینده گان مهم ملل مختلفه خواهند بود چندی است که جمعی از سفرا و علما و سیاستپون طر التسات مابین انجمن داشته و عده مدد خود را دادند - جمعی از بزرگان صاحبان افکار جدید هم مدعو مابین مجلس خواهند بود و بهیچوجه مذاکرات پواتیکی مطرح نخواهد گردید

( مقصود انجمن )

در این انجمن مسائل بزرگ نژادی را در تحت قوانین علمی و فلسفه آورده سرورشته تشویق روابط دوستانه و اتحاد قلبی بین الملل خواهند گردید

موافق مسلك اتحادی این انجمن، خطوط اصلی، مطالب سیاسی، مطرح شده و همان اتحاد سبب حل مسائل مشکله با کمال بی طرفی و بیغرضی خواهد گردید ( پروگرام موقتی انجمن )

(۱) اصول نژادی از نقطه نظر طبی و فلسفی و سیاسی - تعریف ملت

(۲ و ۳) اداره پواتیکی و تبلیغی ملل، نزدیکی باساس مشروطیت و روابط این ترقی با ترقی خیالی و اخلاقی آن ملل ، شرایط جغرافیائی پواتیکی و ترقی ، و صنعت نسوان ، ترتیب مزاجت ، صنعتهای بین المللی، السنه ادیان اخلاق عادات . وضع ترتیب انشاء ، صنایع و علوم آن ملل

(۴) اتحاد صلحیه - نتایج این اتحاد و اثرش در مقابل ترقی ملل

تجارت، اختراعات بانگ ها، و طرز بستها و تلگرافها، طرق و شوارع مسافرین، روزنامهها، ادبیات، صنایع و علوم، هیئت های مروجه ادیان ، مجالس مجامع اکسپوزیسیونهای بین المللی، توضیح قوانین پواتیکی و غیره در ممالک مختلفه، قوانین و عهد نامه

های بن الملل کنفرانس صلح لاهه

(۵) مسائل مخصوصه نوتی - رواج امنه، مهاجرت، اجرت افتتاح بازارهای تجارتی در ممالک مختلفه

(۶ و ۷) عقاید جدید - روابط مال شرقی و غربی و غیره احوال حاله و آئیه آن‌ها و تکالیفشان، سلوک و رفتار قبائل مستقله و نزاد های محکومه ار ممالک کوچک - مختاریت اداره زر خریدی و کار اجاری و تجارت الکی و ترباک و اصلاح، مسائل دیپلماتی و اخلاقی جنگ

(۸) تلقینات مثبتہ - تریه روابط دوستانه میانہ نژادها و ملل مختلفه مابعد معاهده دوستانه، همراهی بحاس و محاکم و پارلمان های ملی و انسته مشترکه - محصلین حرجی، بزرگ های دول مختلفه، شرکت ها، مجلسها کلوب های ملی، ایجاد وسائل انواع ترتیب ها خصوصاً بجهت معاوت نمودن و حاضر کردن ملل عقب مانده و تسهیل طرز تعلیم و تعلم آنها

در انجمن آکسیوزیسیون کتب و نوشته‌جات و غیره خواهد شد اصحاب هیئت مجریه بر عهده یک مجلس عمومی خواهد شد، اگر کسی مائل تشریحات فوق العاده باشد به ادرس ذیل خبر دهد

Printed and Published by  
63 South Hill Street  
Lancaster, England

این است ترجمه پروگرام مرور اوراق دیگر هم که مشتمل است بر اساسی مشترکین در این انجمن رسیده که ممکن است در موقع خود ترجمه و طبع شود، عجزاً محض اطلاع هموطنان این مختصر کالی است  
حاج میرزا یحیی

مفاسد فائق

سابق بر این جهت اصلی و محرک حقیقی بر اع و اعتناش اینچند روزه کازرون را عرض نموده که خواجه عبدالله کلانتر حاله کازرون و محمد رضا داماد خواجه ابراهیم بوده اند، ما به النزاع ادعای اونی که محمد رضا بابت عیال متوفیه اش از مالیه خواجه ابراهیم میبرد بوده، با تزویج صیبه دیگر خواجه ابراهیم بجای دختر متوفیه او، چون خواجه عبدالله بهیچکدام تن در تمیداد موجب کدورت طرفین گردید، رفته این کدورت بمبارزه و مجادله

کشید، طرفین در حق یکدیگر از هیچ قصد سوء فروگذار نکرده، اشارتیکه حمایت طرفین داشتند پیش آمد چنین روزی را خواسته بنسلی شرارت و ارازی گذاردند.

طرفداران کلانتر و محمد رضا هر کدام برای خود سنکرها ترتیب داده با کمال دلاوری یکدیگر تیر و تفنگ زده آمد، و سد آمد و شد مردم گردید، می مرد و زن و اطفال یگانه بود که از تیر پیرم این جلادان نوع انسانی از بافتاده حیات عاریت را بدوود مینمودند، و چون غالب مبارزین و حامیان طرفین از شرار محله مصلی و محله بازار بود و میدان مبارزت و آدم کشی اطراف و محوطه بازار که محل اجتماع همه است واقع شده بود باچار جمیع اصناف و کسبه دست از کار و شغل و تجارت برداشته در گوشه خانهای خود از ترس جان خزیده همه در کار خویش حیران و سرگردان بودند.

حسین مشهدی شفیع نام که از حامیان محمد رضا مشهور بود در این موقع محافظت و نگاهداری امنیت محله بازار را از کلانتر خواست مینماید، کلانتر خواهش او را اجابت نمی کند، این مطلب مرید بر علیه گردیده ناثره شرارت با اقدامات این جوان سرگشته مرور بالا میبرد.

اسمهیل نام که فراشبانی کلانتر است ملامت آقا یعقوب که از جمله اشرار نامی ایجا است از قراریکه میگویند مواضع کرده که مشارالیه حسین را کشته تا او هم نزد کلانتر شاعتش کند و از قتل نفوس و تصویرات گذشته و آید او درگذرد، حسین از این مواضع محبر میشود، حضرات را دوستانه وعده خواسته آنها را گرفته محبوس میکند، فراشبانی چون باین تدبیر پیش برد اشرار محله مصلی را محرک شد، که بسمت محله بازار هجوم آورده بلکه بتوانند حسین را فرار داده محبوسین را خلاص نمایند، نصف شبی اشرار اقدامات خود نموده ولوله در حوالی بازار انداخته در آن نیمه شب قریب چهار و پنج خانه یفا مسکونه شش نفر از اشخاص بیطرف شرف دوست را گرفته در منزل فراشبانی مزبور محبوس مینمایند، کلانتر چون بیطرف آنان را دانسته علاوه مردم هم خیلی این وضع را ناپسند میداشتند این بو

از بیاعت اسراء متخلص گردیدند. طرف مقابل از مشاهده این کار بر شدت عمل خود افزوده کار خیلی سخت شد عرصه و عموم اهالی تنگ گردید بتوسط آقای سیدعلی مجتهد صمدانی از کلانتر رفیع غائله را خواسته کلانتر رفیع غائله باخراج محمد رضا و حسین منتشر دانسته از آقایان اجازه اخراج حضرات را گرفته قریب صبح بطرف محله بازار که محل سنگرهای حسین بود هجوم آور شدند. اگرچه وضع شر حسین نمودند ولی خانههای بسیاری از اشخاص بیطرف نیز غارت و یغما رفت. بچاره‌گان را محتاج همه چیز نمودند.

خوبست کلانتر توجهی بحال حضرات نموده اموال منبوه آنان را گرفته مسترد دارد. پس از آنهمه بزرگی و عزت که از پرتو اهالی کارزون حاصل نموده هرروزه از آتش خامانسوز اعراض آنها را بچنین حالی مبتلا دارند.

روز سه شنبه

قرب بیست روز است میگویند ناخوشی طاعون در بوشهر بروز نموده ر تا بحال قریب سی نفر با بیشتر مبتلا و چند در معدودی هلاک گردیده اند اهالی خیلی مضطرب مشغول عزاداری و توسل خامس آل عبا میباشند. چنانچه تا بحال بده در بوشهر دائر شده بود البته مقتضیات تطیب و اسباب حفظالصحه عمومی را فراهم آورده بودند. همه خاکروبه منازل در سجاف کوچها و گوشه گذر ها اسبوه شده گذشته از مرغ مرده گربه مرده پلک ماهی نجاست و سایر کساکتها. روزی نیست که در کوچهای شهر آب گندیده احوضها و انبارها جاری نباشند. بک نفر منع کننده تا بحال پیدا نگردیده است.

فریاد و ولوله که برخلاف شرع محمدی (صلعم) با آن وضع وحشی گری که در تشییع جنازه خاص اهالی این شهر است بواسطه بروز این ناخوشی متروک گردیده. انصافاً حرکات تیرمشروعانه اهالی در محل جنازه گوی سبقت از هنود ر بوده است. عجب در ابجاست که بعضی یخردان جاهل این وضع موحن مدعش را شعار اسلام نامیده اند. و حال آنکه علماء اعلام پیوسته از این حرکات منزجر و منع نموده اند. لیکن مشله نصب جاملان محلاتی که از در زمان در نهاد بجهتال ممکن گردیده بیشتر

بر زوزه و ولوله ایشان افزوده است در جمیع بلاد اسلام خاصه عتبات عالیات رسم است که جنازه را با يك وقار و طابینه و احترام بر میدارند و يك یا دو نفر مشغول تهلیل و ادعیه ترحیم است. از اهتمام علماء اعلام و اطام تجار بوشهر امیدواریم که این رسم مخوف مهلك که باعث هلاکت مرصاء و ضغفاء القلوب است موقوف نمایند.

انجمن تجار بمطاهرت جناب نایب الحکومه مشغول اقدامات فملی در تنظیم شهر میباشند تا بحال بیشتر از کوچهای بوشهر باک گردیده لیکن افسوس که موقتی است و امیدی بدوام آن نمی رود مگر آنکه این آقایان معطم خاصه جناب امیر بجه نایب الحکومه که در صدد اقدام بمخدمات بوعیه و جلب قلوب اهالی است همین نموده انجمن بدهیه را تشکیل نماید.

روز شنبه چهارم شهر حال حی جهمال در مقابل اتهامات داکتر انگلیسی ماشاره سندن بعضی تهمتها جعل نموده دکان و بازار بسته بلوایی نموده بودند که اگر داکتر انگلیسی بیادست مرصاء آمد اورا میزیم می کشیم. از طرف نایب الحکومه حلوگیری شده ولی فته حویان مشکل است دست از انفساد بردارند. احتمال دارد همبر دسته که حزب طرفداران دریایی هستند محض نزرک کردن مشله کار را بجائی نازک رساند و همان آتته که یازده سال پیش از این در حاکومت دریایی در همین قضیه عمل قرائینه فراهم آمد دوباره بیدار گردد و پناه درستی بدست پناه جویان منتظر الفرصه بدمد.

دریاییکی هنوز در عباسی است میگوید از همان طرف از طریق عمیره روانه طهران خواهد شد و حاکومت ببادر به نواب والا رحمت الدوله پسر رکن الدوله مروض گردیده. این خبر هنوز به تحقیق نه پیوسته ولی علائم آت آشکار است. همینقدر مسلم است که نواب والا طفر السلطنه تلنگرانی به دریاییکی باین مضمون زده اند که البته مطلع اید حکومت خلیج ضمیمه ایالت فارس گردیده. مرگه برای امنیت آنصوب کمک و استعدادی لازم داشته باشید اطلاع بدهید.

امنیت راهها

چند روزی بواسطه خبرورود ضمیمه الدوله همراه

ایالت فارس راهها مفتوش تلگرافات منع حمل مال التجاره رسید ، لیکن دو روز است که اشتهار یافته که ضمیم بطهران مرجوع وصوله الدوله مجدداً تامین راهها را نموده است ، والی فارس ظر السلطنه چهار روز است به آباده وارد شده ، همین دو روزه بمقر حکمرانی نزول اجلال خواهد فرمود منتظر ورود و اقدامات تنظیمه ایشان هستیم

در بنادر از تجدید اثری نیست و از قوایین و لوازمات مشروطیت نموده ، و تا دریایی در سادر است خواه حکمران باشد و یا حاکم و نایب الحکومه امید خبری از این صفحات داشتن خود گول زدن است و واقعا جای تعجب و تخطئه هم نیست ، کسی که متجاوز از پست و بیج سال در یک محل مسلك استبدادی داشته و آنچه را که از میان دو اسگانهاری درمی آمده در نظر مردم مثل قانون حتمی الاجرا معمول میداشت ، حالا چه طور میتواند خود را مطیع و مجری قانون قرار دهد و یا احکام مشروطیت را که لجام اطاعت است بر دمه و دهن گذارد ، چون از یک کله میتواند همه چیز را استیجاب فرماید این است که تطویل را جز تصدیق حاصلی نیست و اگر در دنیا وجود هیچ مافیه الجمع را قائل بشویم باز نمیتوان تصور کرد که قانون عدالت و مشروطیت با دریایی در یک جامع شوند

قابل ملاحظه اولیای امور میباشند -

درالذ و افواه لروم بول در دستگاه دولت جاری و عقلائی ملت و دانایان ثباتت نیز هر کدام بر حسب رأی خود طریق بدست آوردن بول را مینمایند ولی اولیای دولت طاعرا بدست آمدن بول را منحصر بر رض دانسته بدو مذاکره با دولتهن همسایه نمودند و بواسطه شرایط ایران و بران کن ملت قبول نکرد ، مذاکره قرض داخلی بمیان آمد از اطراف تلگرافات بطهران مخابره و عموم ملت بشرط اطمینان مستعد ادای وجه قرض دولت شدند ، ولی متاسفانه شرایط اطمینان ملت از طرف دولت و مجلس هنوز اعلان نشده است فعلاً مذاکره قرض از آلمان میباشد اما مصلحت حال دولت و ملت ایران امروزه قرض از آلمان بهتر از قرض داخلی است ، زیرا که هرگاه قرض داخلی هم صورت گیرد و بول عاید

اغتشاش و بی نظمی مملکت از چار طرف فراهم می آورند ولی در صورتیکه قرض از آلمان شود با شرایطیکه لطمه باستقلال ایران نزند شاید رقیب تازه بتواند قانوناً جلوگیری از بعض تجاوزات همسایه نماید و دولت ایران درین رقابت نفسی بکشد ، و اگر چنانچه دولت و ملت ایران حس بیدار داشته باشند در این میدان رقابت محکم بکار چسبیده نظم و امنیت مملکت را برقرار داشته خود را از موضوع رقابت باندک مدتی نجات داده روی پای خود بایستند

اما در قرة بول دو نکته را مد نظر اولیای دولت میداریم - اول تبدیل در عمل مالیت که خوبست موقتاً اقدام نموده و حکام ولایات را از طرف وزارت مالیه در هر نقطه امر بوصول مالیات عشر زراعتی و باغات بشود ، در این صورت یقین است سه برابر آنچه حالا وصول میشود عاید دولت تواند گردد و زود تر از بول های دیگر بدست تواند آمد ، و در دادن عشر مالیات که در حقیقت قانون شریعت مطهره است ، ثانیاً معادن است ، هرگاه دولت اندک توجه نماید و فوری مهندسین ذیمنورا در نادر خلیج و جزایر گسیل دارد و انتظام آنرا بطریق اداره بدست گیرد بطور یقین سالیانه آمدنی از معادن خلیج مطابق مالیات امروزه ایران تواند بود

قابل ملاحظه و توجه اولیای دولت

( و وکلای ملت دامت تائیداتهم )

بدیهی است از انتضاء مدت اجاره معین التجار و تصرف نمودن اداره گمرک و فروختن ( کلک ) کل قرمر مستحضر شده اید ، گویا مجدد معین التجار و سایرین در صدد اجاره معادن میباشد ، لازم دانست بتوسط نامه مقدسه اولیای امور را مستحضر سازد ، صلاح دولت و مملکت و ملت در اجاره دادن معادن توابع عباسی نیست ، چون فضل خداوندی شامل حال دولت و ملت ایران میباشد و در چنین روزی که دولت و ملت کمال احتیاج را به بول دارند میتوانند از این معادن خداداد استفاده بزرگ حاصل نمایند ، بر صورت صلاح و صرفه دولت و ملت در اداره نمودن این معادن میباشد و مقرر داشتن مهندسین کار آگاه از دولت بیطرف مثل انگلونی ، سویس ، ژاپون و یا هر کس

خطای بزرگ است زیرا که امروز ممکن است با مخارج جزئی مداخل کلی از این معادن برد، چنانچه از يك ققره كلك كه دولت فروخته، میزان بدست تواند آمد

قابل توجه و ملاحظه وزارت مالیه

( دامت تايدانه )

آچه معلوم گردیده اداره گمرکات ملاحظه صرفه دولت نموده اقسام مخارج فوق العاده از قبیل مسافرت مدیران گمرک و زیادتى اجزاء وشیره وارد می آورند، چنانچه در عرض سه ماه ۳ ققره تبدیل مدیر گمرک خانه در بندر عباس شده، البته سایر جاها نیز همین منوال است

امروزه از طرف وزارت مالیه مفتشین صحیح امین کالی جنبه اداره گمرک از اداره مرکزی ریاست گمرکات در طهران و شرق و غرب وشمال و جنوب مملکت لازم است که از روی دولتخواهی مشغول خدمت و تقیث باشند، و این مفتشین باید از ایرانی باشد نه خارجی چه خارجه همراهی خارجیات را مقدم خواهند داشت هرگاه مفتشین صحیح درکار باشد سالیانه مبلغ کلی ضرر بدوات وارد خواهد آمد چنانچه تا کنون آمده است

( بدر عباس )

شهران، توابع هنوز نظم و امنیتی پیدا نه نموده، چند یوم قبل مشهدی محمد حمزه که خدای ( خورسکویه ) مقتول و سه نفر مجروح شده اند تا اینکه از بستگان مقتول، به حکمران منظم شدند، و نیز در انجمن بلدی عباسی عرض حال نموده ولی جواب درستی نیسافته و به لیت و لعل گذشته است، میگویند شیخ ناصرخان جنبه باب الحکومه کی عباسی طلب شده - قریه حسن نسکی و شیخ آباد که خالصه دولت میداشتند ظاهراً مصباح دیوان از اولیای دولت در مدت ۱۲ سال اجاره نموده است، چون این دو قریه جمع بندی دو جزو مالیات حکومت عباسی است باید دید در این باب چه حکم اجرا می شود

طرق و توابع لار که کسب نامی نامه نموده عبور و مرور قوافل بکلی منقطع شده بموجب خبر تلگرافی گویا ایالت فارس از آباده بطرف شیراز سرحدت فرموده باشد، امید است پس از ورود

اسباب نظم و امنیت فراهم آید و رطایب را آسوده دارند ( اقدامات خلاف قانونی )

خلاف قانونی که بتازگی در عباسی رخ داده این است که بین تبعه خارجه و داخله چندی قبل مناقشه واقع و برخلاف قانون که باید نزد کارگذاری برود نزد نایب الحکومه رفته است، و حکمران هم در این حرکت غیر قانونی اعتراض نموده علاوه بر این حق کارگذاری را هم از نایب الحکومه وصول و در کیسه خود در آورده اند، چه بموجب قانون وزارت خارجه کارگذار ده نیم عایدی را جواب ده است، حیرت دارم تا کی حکام ولایات باید در اینگونه موارد دخل و تصرف نموده نگذارند امورات بر وفق قانون بگردد،

بیتیک ایران امرورده چه نتضا دارد و حیثیات بشر تا وقتکه در دوره ابتدای سیر و اثر میکنند و بر برقیات منصوره ره نبرده اند، مراتب زندگانی و صحایف سیاسی آنها بکرنک و یکسان و چندانی نه وض نه تبدل و تحول نبوده - صحت این معنی را در ملل عرب تا دو سه عصر پیش و در اهل شرق تا همین نزدیکی ها بخوبی میتوان فهمید - ولی همیشه فروغ تمدن بتزارع مضوی يك ملت تپید و بر تو برقی مغزها را روشن نمود، صحایف حیات آملت متصل عوض میشود و بی دربی تغییر میکند، شرح حال دیگران را میگذاریم بوقت دیگر و دومیان ملل شرق روزگار هموطنان خودمان را زیر و رو و تبیح کرده می بینیم تا بیار سال زندگانی این اسوه - ملق با کم و بیش بیک طرز و روش بوده و کتر تغییر و تبدل نموده است، اما از وقتیکه با بداره تمدن گذاشت و در جرئه دول مشروطه داخل شد دو ماه بلکه دوروزش یکنسق و یکسان نیست، سیاست داخلی و استقلال خارجی آن هر ساعت در مقابل وظیفه و تکلیفی عظیم عرض اندام میکند، فکر و اندیشه افراد ملت را از خرد و بزرگ مانند امواج دریا بهم میزند، روزیکه مدت امتیاز راه آهن و یا حق رجحان دولت روس بیابان رفت، مسئله امتیاز گرفتن تجار آلمان بمیان آمد اظهار دقت همه را متوجه بدان نقطه مهم نمود،

همشهریان محترم بسکه از بیگانه سر خورده و